

أردونثر كاايك متندا تاريخ وأدبي سلسله

أردونثر كي داستان

ئۇتىن: اسے حمیب ب



مطب و عات شیخ عنالم عام

· مُولاً والليم شريع مرزا فرحت الذباكية ك

"أُروونر كي واستان قطعا مودن عبدالهيرات راء لخد عادی رسوا ادرمرنا فرعت الشريك ك مالات زندگى براسطى. أب بائے ہی بن اس سلے کو توقعن جناب اے عید یں جرایک للن اور یکسونے یہ اقساط آپ کی تذر کر دہے ہیں۔

ان كى يە أدبى كادمش لائى تىمىيى ب-زر نظر کاب ی سب سے پھا آپ موان عبدا فی برختر ک زندگی سے دومشقاس بول گے۔انہیں مرستما مرطان سے عظیراً دی کی مجت نصیب بوقی اورای صحبت فے ان کے اوبی دوق

كويار باد الكائ - يدخ بهل أنهول في تصنيف و تايعت كاكا كيا ، اخبارات بي معنايين تكے ، بيال تك كر نادل نولين كى طرف را خب بُوئے - اُر دواؤب میں ناول ٹھاری کی است ما المثاثیراتھ در الدا سے موال متی . مولان عبد الحلير متر سف إسلامي تاريخ كو زمادہ اہمیت دی اور سے ناول تھاری کے قال یں وصالے کے

کامیاب تجربات کیے ۔ آپ نے" فردوسس بری" بھے شاہرکار ناول مکھے۔ اس کتاب میں آپ فردوس بران سے می اطعت اندوز ہولگ مردا عقرادي رحوا في المرت كي بلندون كواست ناول-"امراؤ مان أوّا " كم منيل ميراً ومرزاً رُسّما ليف ناول ك بلا شادر

كردار روزمره زندگى سے يستے يس، فطرت السافى يران كى الرى تظرے ، واتعات کی تصور کینے میں انہیں مکر حاصل ہے۔ نیز تکار ك ماية ماية وومشاع بي تع -ان كى مشهور زمان تصنيف أباؤيك أَوَّا سِي مِنْ النَّابُ -

مرزا فرحت الله بيك اين زمان كميزان عار تق-مزان الرى كا وسائة زبال ادر مادرك كى وى عن عدد دوانى الفاظ يرحرفت ، معنمون اورخيال كا وسعت وكرسيسال بونا حرزا فرمت الله بيك كي نسب إلى نوابي عدان ك شيرة آفاق بعنامي

كالقبارات أب ك يديقينا تفني في لا كام دي كي-ہمیں اُمیدے کر اُدود نٹر کے اس مقبول عام سطے کی باتسط

آپ کے دون سیم پر پُری اڑے گ ہ

الناك برق الدعاقال

المال المال المالية المالية المالية

الكان : ينتخف داهد أ لم كر شيرسنوك؛ الصدنياز

شدیر ، دب فراز مک مجنب مشاورت ا The deline

مخرمنيف ثألبة امشتباقاهم الله المعلق الدف: السليمانة

مليوهات ينتخ فلأكافي 40.8.5. - 5. 2. 2. 6. 6. فيتهتبر

rirer yang dyan

رما بداری خود به به به این را چه مشن هیدن کدم افد دانده می دانده استان ما این استان می داند. استان می داند به م مثاره این می از دارد و این فیس در این می دو دو شریع کشر بستان بیشتری بیشتری با این می مشارد بیشتری می می در در در مند در مذین می به بیشتری می در این می در این می بیشتری با این می در در می در این در این می در این م

તાલું કર્યું કર

ل کے میدال دستان این کی و دون از کان دشتین کا دیک در قدیق کار کارگر جور کے بہر ہے دارک چاہید معاون میں تصفی کار خداد المسابقات راکید ہوئی ہوئی کار مال کا جوریات کان طروع سال کے جوریا ہوئی کے کا کا کھٹنگ کر درجے کے دخر کرنے میں تصفی کاران سے ایک میں المال کار درخوال میں المسابقات میں میں میں میں میں میں میں میں م مال کے دائر کے درجے کہ وجہ دوریا اللے کہ دوران المسابقات میں میں میں کارکر کے دائے کار

المانية المانية

مولی و اعلی کا مقر دید تر دون نشایدی این میدست برید در بیشته بهما دارد میرین کزیک هم دردن کرفر دیش کی خود سختان کرف میشا و بردا بردن دی کرفراس اداری کیرین و ست کوشتان کرف سرور بسته بردن

اں کے تا اواسان فردان اور کھیے ہوئی کا حدیث کہ مشکواتی واکر ہے ہواں۔ میمن کے وہ امتاد وہ ارشدی کئیں بھر بھا ہمی گئے ۔ ہی انام کل واقع طراق میں آفٹ انگر کم کا کہ ای شرفائس عمر کے طوق کا اگلے ہے اناق گئے کے وہائی واقع ہو در ساتا ہمد میں فرکھے ہوئے انسان واضحہ ریک وقت وہا واقعی مورس ہے ہے برالهم فترسك الأخراب من المواقع في الأن الما يكم في المواقع في الما يكم في المواقع في المواقع في المواقع في الم المواقع في المواقع

له این کی این به به این اس این کا بین برای کی به این کا بین برای کی برای کا بین برای که بین برای که بین برای ک برای این کا بین برای این برای که بین برای که بین برای که بین برای کا بین برای این مین که بین برای بین که بین برای مین که بین که برای کا بین این مین برای که بین که

در ۱۱ مردی با ۱۱ مردی بر بی در بردی به این با این با این با با این ب بردی بردی با این ب بردی با این با

يدون الوصاف على المائة في فال يرسكان الولايد مائة يسكان كالاقات المدافقة والمستان المائة والمستان المائة المائة الاستان المائة المائة المواثق المائة المائة

صيىء فرساه دسه الديكر درا كال زيال. ع د- قرط دُارم ترالدي فيشاعدي أفر قبل كرود. ول و ول كومنوط كرك بعر - فين العديد فال أ こんかはんとりいこのいこではかがからし、そ 180:W مين : - آي رخصت بوتا بون

كد كر اورى وقت موالى في . اى علام بن ده مون الا من ال جوائل الما عين في اف استادك ما لا الما الما المراح المراحد المراحد الما بدر دنداد مينيا . و إلى سعم ك اصفهان ادراصف ك سايك البيد ليد والمراج المراج المراج المراج والمراج المراج ي المنوي الله مومون بيانة ي الل يوروسادر بات فندت س

الخراء خود عا بني و خرموم بري الى ارحين ايساط ليت وال كان الما いっといういいかというしんかんかいのかかんかんと 392 Son il 1 00 was in 311 or 18 1 20 10 16

ے. صیحے : دیاعم ؛ بھائی دی ٹینٹ سے انین کی تقا، (برد) حدّ میرے ہی ما هري والقا اورود كا كانت فا تا فا تا الا وي لادم عد ところしかとこのからはいかいかいいいいん

المع والداب مالال こうかんとがんしょうかんとうしのかしゃ الم : . ومكواكر والياقبل ويرب يا تعتربا في عاصل جيك لاتيم

صيحه جرب الكلي مع مي له و تعديان كردياب، أى معاتب نلاه فرا سنت مى كريرے يال موكسى بادث كو دفق كنيال - 火をことがらいいしいいかいん かんかんとんととうかかんなんしていい

يل فيدوه كري عاد مو ل وي كال عيدة وول دور ما تما يول . كريد المهاق دَعُلُ مُعَيِنَ الرياى مهن برجائ. المام: مال الياب ، وضا تياد عداده عي وكت د عدد تسوية في

. Fileholder or weight. الفراق ميون المريخ الدين ك والشريد فول يي شاق براك الديد كا كالميسكا تفاءان كرول مي دو درود اينا زيادوا عداريد الرياك . كراس كرا الايوو النامق جي الموزر إلقاء الم الرادة التالب ادرمتد وكلي مي استعطيك 550 2 21, 225 + 42 4 6 00 1 1 1 1 5 20 5 V けらいなったのかいはっぱとこうけんではいきとん ملاحة ف را . الديد الدى كا دار في الرفيدة الا عراد عرير على دي مح

علب على كا __ بيوستر تى بلاد المركزيها احت مي شفول يوث مخارا ا درمات ل من معتول مركب عداد و بال كالمادك در سكا بول عاف الم كالمنظاوري تقدا ورو إلى موطى يوفي اب الدول ورا الدوار とんんじゅきとったいかいんかじゅいりゃんん かったけんしんりんりんとりんとうりにいいかしん ريشال فاب برلي كري بريس بري - يخ عي دورى في من كريان من من كالحاقة قرير مال من والمارية المن ويا . تقود كا روك كروبسات والمص تنفير دوي ل . قراس فرع جروا كم ايك دوم سعايد

الدود فلترك كيدسي كويكس إدادياك كماتي والخالان المال عَرِيق إدرًا . قريب تقاكر دريائ طفلت ين عيداك وطراعات الرسنيد اورا الا كي عادون واحد وكلا . في الله ويودي لا في اورتها وي دو تعا

からはなっかりとははいしんとんとうといういるいろい ول و عالى الما يوسلم وقاع الع تك تقويا ورانستاس من الخ نے قان قر کے مخت بھر وگا و کا فرواج کا مال الد كا وات اور قل يوكن لا يخ تجرادي قشاد الله . جن عدر الاردا الله الله وق سويتي ينس. بقنا لوے على يول گردو كا بات كا ي في كا كار 1 d. ords p. 10 1 de dis a 58 por ger au (high) ع يرا من التل مؤمناً مصيداً فقد كفير"

iside out by one of with out 204 lbs. مين كلا إلى عنوا لدنيا ١٥ فرة الكروالد كي نبيل . فكن إن كان خيفت بن اور دور قدرت ما نف سيام توالدي في عي دو دي لا حيال 31- ころにころられのでんこいのはいいことんか الجب نيس الركسي رو مالى معلوت سے ابنوں نے مقام السي كرود كاء كا مؤور والمراج المراج ا cott counterporture of 1631- Six des 18-c ははついかとき、なんこのからいちかかりかいいいい ב - ו לנו ביונט ביול ביול פינטלל יש ייני - ונולל פינים

of Sindre Styl Som Least to Charge Lord نسب برياعة. على الله المان مرا عندد كان الم مل مور خادت بال مين فريد على الدينات عرص و المان يمان بجري ينفاجى يركي في وجول كان مورت وكل يول يمريط وا ادرطال عصود عرين إدرا . طرى تايك الميل كريداتها ميشغ - ويكم تتين اب كا كاف ديم - يحد اغراف بي كا تما دع وال

ولا في بدا يو . اور تم الله كا الله عنا كا كود و با وركو مكر بقاير ا

ا این حال میده طاق استنداد کنید بیشد که استان و استان استان با استان استان با استان با استان با استان با استان الام است به این که دارد که این استان این استان که این که این در از دربا و این این که میشود این می در از دربا و این میشود در استان با این میده این که در استان با این میشود با این میشود با این میشود این میشود با این میشود ب این میشود در استان که این این میشود با این است این که این که این میشود با در استان استان این میشود با در استان

نوه باره آمرستان و به لنگ . میران کاش برای دور نشون به درگری کاما شدن با تی و تعدید از گذاری میران از آن خدم از میران میران کاما شدن با در این با تی و تعدید از گذاری کاما شدن با تعدید از کاما شدن با تعدید از میران میران کاما شدن با کنام بر سال میران میران کاما شدن کا

مین اگرا حریب رسان به این المان المین الم المین الم الاست المین ا

به هم برای ماه برای موجه از خوان موجه به برای موجه به برای موجه به به برای موجه به به برای موجه به به برای موج موجه به برای موجه برای ميستر نيخ كار كارود مي الباريد مولاما ميكان ميلاما المنطقة فك الحافظة في الموافقة في المو

سواده مین در فی در بستان که را در این که در این که در این به با بیشتر که این به این خواه کمی این می انتخاب که ک هم می این وی با به این می می این می این

يد المستواح و المستوان المستوان الموسية في وهي والمستواح و المستواح و المستو

لزاده دک دومونهی برگانی در حلی ادائیه عدد این آنیاده ما دورگی آنی . خیران سرکر در این بی بهر وضوع آنی ادر پیشان داشته بر نوری تا که هم بر این بی بر این از این از این از این از ای نیم برای برای می می متازند می در این این برای می در این از این این برای در انتخابی این از این از این از این از می می می می می می می می در این بر نیست برای می در این این می در این این از این از این از این از این از این از

د معرب دوج روح ترقع بودن سنانا برا واران کافوادیات الخواق این با به قد این در شدن که این در افتالا ندید شداد و با افراد قام با دارا به بوم بوستانا عزایا قد این فال کمن فارک و اور کافترار کاف منافر با داران این دک ایک از راج افزادیات کار در افزادیات به کارگراری و کارگرای دو کارگرای داد کارگرای دو کارگرای دو کارگرای دو کارگرای دو کارگرای دو کارگرای در کارگرای منافع در کارگرای کارگرای میدود برد کارکردی کی دور در شدهای در کار دارد کار منافع در در در در داد کارگرای کارگرای

ي بيان مي يكن الانتراك بين الخابان المستوق كم الان يرت مدكم الموجود المستوق الموجود المستوق الموجود المستوق ال المستوق المين المي

البوشت کمه دوشی های ما فرده کارسته (درجوی دادی اندلی می جواید و تر فارسیایی به که دو کارس ایر کار کا قداش می بیدی کا ۱۰ میرسیایی بر خدر نداید کی کار به ویژار که در دور بردنست بردی دونست براید که میرانویست این که خواج براید داده استمادان که دور براید که کار که اکرانزاد به در درستان کارسم قراری دونوی ایش تشد که داری در دوست که ای

ا میشود هما دون کا تقویر ند ایس که داشد این کورو کند امور اند و کا با خاصی این که ساخته خاند در میرد این کا از دوند که بر کارد این با میرد این که در دید میرد این این این اعتمال با خارج به این که برا میرد که در داند و تروی که این که این که میرد که این که میرد که این که میرد که میرد که ای میکنید کار دوناز به این که میرد که این که دارد که دا

الع جاسع الابتراني المستقبل المستقبط المدخوس مدارات عالم أحد . الانتجاب الاستقبار المستقبط ا المستقبط المستقبط

مراد ما المراد المر المراد ال

ر المراق المساول المساول المراق المر

در اور میده نیم در این میده شود به آن در این میده این میده این در این میده این در این میده این در آن در این می میده میده این میده میده این میده این میده این می میده این می میده این می

ين - برايش مى رى يون كا ياس ما داد ون أم

ر شکالی بعد ارتباعی -حسین . حرات ایسان خداد ندگاه دادهٔ فردوهٔ در کان خدات این ا انداد این بن کار محاد دو حرات در حرات برناک فرد به خواند کار

ر المراق الم من المراق ال المراق المراق

 طواعی می <u>طویع</u>ان و گذشته موارد کارد سه دیگیده به . احتیان در از ده مسیده برستانی اطار بیشتری احتیان در ایک داد در مسیده مدانهای از چیت نیش انگرمیک ایک ایک ایک وجود در و اور از شک کارک ارک طرح کار با ایک ایک ایک ایک وجود در و اور از شک کارک ارک طرح کار برا انجالی

الما كما سائع و قوارد المراول في الما المدائم بدا الدين المواقة في المواقة في المواقة في المواقة في المواقة المواقة في المواقة الموا

ربنا باسا کاست ناحه می آن این گی مودهای بر بینان می تواند را بر این می داد بر این می داد با بینان می داد با بینان می داد با این از کام این از کام این از کام این از کام ای هم کام کاست خدار می داد با بینان می داد با بینان می داد داد با بینان می داد داد بینان می داد داد با بینان می داد بینان

ا الموادي المو الموادي المواد

سینی: - شاوراً بسدی ده گاه ایرت بی ا عنی د - کادایت نین - کالای - گرای طبق کرمات می پردهانا در المراق المسائل الم

مین میلی جماری کی میلی کامل میلی جود کامل میلی کامل کاملی میلی از کیمل کاملی ک میلی از کیمل کاملی ک

ا المؤون المال مي المؤون عن الدونية كالكوك ولاك الله ي مرتفون الا على يؤكر المراسمات كي في ساع المدون الرواك الله . معن المالع معان ويشوكون في كرميت واز فودوات والكريك اليك بيلع ي كم يؤكر يوبية الله .

" کی فودکس پر لی ہی ہے :" کیس تریب ہی سے کئی کہنر ہے جہاں اندازاتی ۔ گھر پرخششاں کی میرکر خدادات کے دیکل حوال جائیں کی مخبر کے دوائی تاریخ جاتے بی کا موجد کی ترکز اورکا والیک مدید کے انظارات ترویجا ہیں۔

مر المراقع من الديكان المراقع ا المراقع الم

ر به باستنده این برای به داده کند می داد به چنده از داده در در این های بید. را نوسته کنوا با بردند از مستور کا ویشید سه نا بردانیب نده داد این های نامی در این استفادی به این که از این بازدند از مستور که ویشید سه نام بردانی استفادی داد. به مدار استفادی این در دردند را میشود که خواستان کا فرد بردند شده این کارد از دردند سازی این از دردند این از در درداد میشود که این از دردند این از درداد میشود که این از دردند این این از دردند این ا

شير كونك ، أله ير حدوكورا كالآن شاهان الادواج المنطق العدياً كل ال وقت قرائك ميكونجر عن بول شاعد وه العم إلى مشخوط برام إمين جميل إداك وقام ميكاف روان هي ... وسيعين : در والاست بها قدة عن كروس كان كام المست العداكم بتلكم تشكر وسنت كم الخروميست كانها ها.

موسیدی و خواند بر بر بر بر بر بر بر بر بر با بدوره موسط به بری داد. متر بهه آور بزش ام افل می براه بره درمان مدیرے بار موسل برا بری اگروز بر مالاوز باری موسدی بر در برای میس به بری کار اندار بر استان ای کیامان وارف می افزار این میسان می از در این میسان برای میسان این میسان می میسان می میسان می میسان می میسان می میسان میسان میشان میسان میسان میسان می میسان می میشان می میشان میسان میسان می میسان می میسان میسان میسان میسان میسان

ے مورد برای الانجاج ہے۔ کالایا کران میں افراق کی بچارہ افداک کا گوؤ ہے۔ کیرسیے کہا ہے کہاں کا مورد کا بھارتی کا مورد سرح اللہ میں مدارسے الانجام ہے۔ 20 اللہ میں مورد کی ساتھ تیز ہے کہ سیسی کیلے کر مدارسی واقعادی کے مالیم مورد کا فراق الان کا مورد کی مورد کیا ہے۔ ریاضت دیکھنے میں کا مورد کا فراق الان کا مورد کی ساتھ کیا ہے۔ ریاضت دیکھنے میں کا مورد کا مورد کا مورد کی الان الان کے انداز کا مورد کے بعد میں مورد کے مالیک کار

المؤلّق عنى و دو توجه به زنج آن به فار بين آن دو آز ايگ مرف بن ان آن دو الله من ان انداد دو الله و انداد دو ال موساسکان الا منتصرين والل به کاری در مستقد المؤلف الدون الله کار دو رق مي توجه فوق من ادارای ديک منتصر دادون به گاه که است روش مرک که اگرای کاری منتصر بدید می که که این دو در میری که این دو در میری می که که دو در میری می که که دو در میری می که که دو در می که که این دو در میری می که که دو در می که در که که دو در می که در که دو که دو در می که در که که در می ک

عین گایش خرک برطنت کنی و شکسه بریدادی دی کل دیری خوش خوای کم برق نمی ادرفیش خلاب ان اجزاع براهاک ایک فیست بی دیگل مدوم بیدارک ایران نیست که آماز کان می آن آدرا بدا میشام برا از گرا

در المناح بالعالم المناح المناح بعاقري بعد فريد الانتقاع شاؤاه يرض في العرب المناح المناح في على المنافق عن المنافق المنافق

ત્રાં જ માત્ર મા

ينيون يرتشي يركن مدافز تكسيل لأب المرائز في الصوي مي الامتراك applica Brown due No de son La marchant على المراج المادور المادور والمعالمة المراج وبهور واحدها ذكوا مريزونكواب بالدون فيضط يمكري ا مرا بالعالم والمادل عرف عدون والمعدد من و و العدد الله عرافه و معرف مي يادون دوي دوي المادون المادون = 10 16 01 fire in Low Comorante Count مروع المراه معدوع على المراعد الله المراعد الله المراعد المراع فإلى المارع الارتكاد كاري يى كرم كالنيم وملييل بى مداستول الد かんしんでんないいいいいいはしゃいいころしか وعرقب قاملدور عيد كالماكم عرق كالوافع الاكراء عافوق م ليت من مع الله على واود كال مناكاد كلات إلى المناف المراد المناف 1 Spring But of dustron cuin Blato "alderationing to all ye gut the to sale الا سال در الله على باد كالي عدر المرتب من مديد عالم والله 51 Swid 3 8. S. S. S. S. D. W. Lone Of Wat #L Lungo 2 42 hor vitor to B. a wile xL

يري والم على ومحصل واستان عالى وادر ما الم كال المادى

فدال گول سے فیزندم کا تراہ منتقے ہیں ، وہاں ان کٹر کئی فا ٹرداں کا چڑا ہی مدن مدى كر يفك يو ي محرف بدي يو برا الله ما الله يعادوا الله اف قديق اوفول على كل يخ التدويقة بي كا سلام عليك فيستد ك مى كالميان و كل شوب إلى م ووود لا سكر و فودا لد الحصة ك المعادر بالمراج المرابع المعادل والمراج والمعاددة والمعاددة والمعاددة المعاددة المعا صحف فر تابع كى يواعل ديديد مصد كالله كالمؤلل مي الما يما الم المرول ك

おおいのでいるいかがらはくいけんこいいでからしい いいいのいかんかとうとうならりなったいっという Les Les veres line of 2 a cate d' shi e propose بحب نظف بداكر ي مرتقاراى جرى ماان منهد . دويط اور وكريك المدون الاسكان أون اورجام التساغير عاد فوف مك الما المكت بدارك بالروائد في المالات المالات المالات - 4 GENERAL STRUST

からんりはこれはんけられるいかいんありいかので はではいかんなんないのではなったいこうかんかいのいいとう とのいるからさとうらいいかれるとというじ مذات ولدار جائش وفروسط عدام وكافرف مؤجد القالدان في والحاجز ل طرف تلوا الله أن ركس مها ق الفرت كود كله العديد حاء كالقرود كا كه عطف ربا بهمًا . (مروجي استقبال كرف تل كرا براحل ال عن اودا يك بزعول كرنداري ولي ريا وفيق سيدال كعرف ووافق كافتافان الادعظ و كالدار في كلاي تى الكيس درياريونا قيس كر بدانشادى كريش مى دوفول كاريان سيدايك Lope of the application 2 2 Lange to poly 18 Lange يرع على الم وزادل مرت والمن الدرك قدم مد كالديان ときいかとこうからんしいかいことといれるいと 好っていかられていとりんしてとこれとかいかとう مين يال رونا وم ب بي اب انسواد كالوي

こことのからはいいしんまからい ميان و يال يان أي . الدي الاستان مددام ي جرد ويا . الرواء يريد اختارك ا على و يحد المات الماسك いいんしんかいのはんしんはないののありいから الريح كن بول كر ال جنت من الله الما و فاق في من عن عنظا وا على بن ك داريد ك داريد ك المارد ك عدا المن الماريد

على .. يرعة والمعال غا فيدر كال يا دوي عام الدى بحت في و فقرط وقت بد كالله かんかんしんないかいかかいしいからい صيلى : محمال طلب مع ير عوال إلى الكن تقا ، كدي ال طا والل ين といるのでいいいくとういいい どくいらい かんたんごう しいいますっとなるといいいからいしいりん in and bush intone British in in

رات اورطرائة بناؤل

3) Yushing Fudus & Staring retters ے . واک ر تعصف ورطان لادیکے سے وشائلا نے دل فریب دور ہو فی سالم می الأيداريو يرف في الدون كالدول المرون عند الماري ال وب مورث الت دود الدول كي ومن ومت بت الراب الداكين نات يوداك الدل فريدوكون عدال العالمة بالدخواب ودر یال دے جردور لوک کے ای مرسائے باقررت کے سکھائے ہوئے فر د اس واد

تارشلوها مدورة

ين منين ياف من والمرد اليرول عن ليط برت كالول كالإلال التيان الله التيان ادر والل كري والديري الإرامان والمرار ي الى الميا الدوم يد ع مين المروي وي الدوري الله الله الماس والدي علوالى فيوا があまっかないとといとといとしなるのとのないのかん wedt dielese podrine & delevis العدد كي كوك للف كي الحداث كالمروث في . - بغت انواد آندے بالا シリントとりしど

825-19, 14 2 Sto of to Solve Lots 100 Unit is in a court of the interior اورالال واللا كالناك الما الله المعارض على الموسى الدين ومرد BALLELUNGLOGLOVIER, WIRELUNG いかいろというとうでもしましまります。いとしている ادر قصرون كو كل القا على كريك " يموت قرائ في را والمن اورائ عراب في الكالك المام ورقيات وام الرفون في الك في ال cullande oxecestos 46 Fondado Lapacitics 3-4/2 - 10/2000 あいしかいいかの

سواكسي كونين عابد و و كال عد ١٠٠ كازين : وه محل في طرف كى رقيدكى فوفى كابيا : منك سبت - (دا ال مردى مركدن ناه داوردل ام فيتا ولين . قوان عديد ا- ويليدو الع و و الا معرب الدي ك ي ب ١٠١٠ در د الى يوب. क्रा के दिला के किर के किर के किर के किर के किर ل تفرور والماليون والمراح الدائد على المراج المراج المال عد المال عد المال عد المال عرص الميزي يعلى اللي مون ك- جعل بالاى ك يجعل مون كا كالاد يعلى

مين كالقراق بن يام كان سي مسيطيت كل دقد وراك Vis) Stoomplins in Sing Election eco. 8 (dr. c. 8 = 1 dlm. 8=1101-6,00) 1. of 2 stort ton field - coldoworks علاکرده آن بودهان در دکار اتلی به انتران استان به با انتران در این او در استان کی دادهای می اود. ادارد مدها خوان دودان در این کلف درخد می در در استان که در این از این می در این از این می در این این می در این که باز در در این از مین ها در شده باز در این بر این بی این که دی در بر بر شرک که این این می در این که در این ا

خوارد : انی امریماده اگران می مجلی جماعتی به الکتب بر یک با با کلیستان درقت بچرا دیگی ب انکاع رمنفست بخوارد ادولی وقت با منفست خوان برای انتخابی کا بی انتوارد البره بوان و شدت یک بیش اطف ، انتخابات با می منفست در برای می واقع که کانوان مثال موردی جانب کا برای امان اندان ایس وجی در انتخابات اندان ایس وجی در انتخابات انتخابات

ن العالمية في اليام المواقع ال يرب من كويوان مواقع المواقع ال معمولين ومن المواقع ا ومعمولين ومن المواقع ا

ورد - دو ان مت کینگر مشور می کیلی شود می بادر ان می میداند. و میکی سک اور و مت ما تقدیقی برد قدم دکوی بدند به قوا در انداز و یکی چامه و دیرانها مان مید برد سیاسی نیم شرق می دود این بادر مدول کیل میداند می از در در این برد این برد انداز انداز این بادر انداز کیل در در در این کار برد انداز این از در انداز این از انداز انداز این از انداز انداز

میہین دریانگ ہے دائرد د - انگریم دیں ہے مدور پر کے جمع از می دران کے کی کا دود کار کینے و درائی ہے دور کے میں کا دور کی دون کا مدون دیشنیٹ اوج ہوا کہ کا کی اداران کا کے کہنا کے میں کا دون اور انڈا افزار ایشا کی ہوا

 خزاب طریستان دونگ میزا بود سراه در گیره مای خداد برای دونانه آنها دونان دونان دونان دونان دونان دونان دادد. مینان دونان میدان دونان که در کار دونان و آن دونان که در مینان دونان میزان مینان میزان که در اینان مینان که دونان مینان دونان دونان دونان دونان مینان میزاند. داد نامین مینان میزان میزان که در اینان میزان در مینان میزان در میزان دونان دونان در میزان در مینان در میزان در در میزان در

منان ند که درخوک آدنی بی رسانسد به را شدی این شده می از با درخود می از درخود می از درخود می از درخود می از درخ در این های در در این به را باز را بر سریس ما از درخود به را برای برای از از می برای از از می برای از از می برای از از می برای از این می برای از می می برای درخود برای درخود به برای درخود از این می برای درخود از این سریس می می برای درخود از این سریس می می درخود از این می برای درخود از این سریس می می درخود از این می درخود از این می درخود از این این می درخود از این می درخود این می درخود از ا

ان سراي (درمانسد ...) مسياني ، درگان خدول دون ب ي آورد : رومنوريسط ، کر دانس کران اول اور ب دانه محل ادرک مدرا انتخاب رو جارس کران ان (درک مدندی مدرس

کوکٹ ہو آئیںں رہا ہے۔ گرمیسیاٹی آخر نہا کا این این ہے ہاں اسکیٹ گئ اور دلی ''سینن اجیسان بالای سے کہ ڈی تا پیش کر انسان ہو کہ گاری ا انجاب ۔ میسین وروسی سے چوک بالگا یا انجاب بے امنین میں انکون کے انسان کی انسان کی کھانے کا میسین کے انسان کوکٹر کے انسان کی کھانے کے لاگا ہا ۔ چار کے کمٹر کرو معدول انسان کیا تھا کہا ہے ۔

یر که کرد کرد دون به شریع نیسی کی کیونیا . در در دان بازند که آن نامه این منتی زاد در پیسری دیگانگ . در در دو نسب برند که به بازند متنان آن به آن کرد کافرام قاتل لیدند . هیدت مجرد در برگزیج بی من ماکن آل از مرت کان به انتساط

ری می نواده محالیدی نید به داشته نیانی می این برای این این اداری کاری این از می از می از می از می از می از می هماری به رخ بر می براند، افزانس و نیا به رای این این بیشتن تیر در تک دوست کالی و نیک این و میکندان ، در این آید که خیار کری این اماری در بیاری در و تم دادی این می کند

ي بريان آن که ميضه از درد... گار جوانين آبه برياني اقتال ميداد. عيم آوه دوراد دوران در خاري درد. درود دورن ارد بريان ميداد بريان درد بريان که ميداد درد. در کار ميداد و دونام بريان که ميران دردان گرداي ديران کيسرات

لودون مستوده المستودات المستود المستو

ے الکیرہ جاتا تھ ہوگاں وہ فاتی کے کھڑا تھ ہجائے ہوئے۔ خواجی کے بور نے جس بہارائے کی تدریقاتی ہی ۔ میسین کا مواحق ہیں : موجی مواحق ہیں کہ انجابی اجتبائی دوران طور کا جائے جائے کی انجازی کی انجازی کی انجازی کی انجازی کی انجازی کی ا میرون کا توجی والد کی انتخاب انجازی کا مساحل کے انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کی انتخاب

سيجيده هرجها الخاروي والتي الماقتي على المن المستبية على إلى المروض الموضوع إلى المن المروض على المن المروض الموضوع الموضوع المروض الموضوع الموضوع الموضوع الموضوع الموضوع ا المصورة المروض الموضوع ا

المين مرده ادوا ملسطه المهام في الاستجاء الكافئة المينان المينان المينان المينان المينان المينان المينان المين وكافئة المينان والمينان المينان المينا گوارد : بخش کی ال اگرفترماد ترکیم کی در تشدید دادا قد تی تواند الکام آیا ہے۔ میں میں اس کی در میدست کامل اور الادر بسایر سریم کرم اعداد میں کر ایس کی صوریست کے دولیا سے اعداد منافقاتے ہوئی تھے۔ دارود : افعاد کرے ایس کی واقع میں ایس کی بھی اس کی میرشن .

ولي المدر يسيم الما الم يسين في الي المرجون من وكلها الدكها أو و الى

"(x, 315) We 2510. W. W. 1000)

واده - انداکستانها بود گوشین ایجه چیدان اید میشودن. میشین و اورت سه بردیش و پرخشسینی کالمنشدون دودی بیر بردان کی واکد اندازیم مرکب به کارمان اماده بردا بردان بردان بیرد کابا میسید ۴ میکند تنظیمات میشود بیردان بردان ارد از دود به شاکسته طوحین و بردان کارد واقعه کشیری اورد

در المقتل المقتل في المدين الماسة في المسافرة المساف

زیادہ تھا ہے۔ اور ندگی میں گئی بیٹری تو جواس موان کے سے میں تربی ہا اور اس وقت کا خشتورہ جید کرسی وی کوشکس میں یا ایم ویڈر کے بھی سے اور الكان بجديث ويها ذوالذ سعةم وكان بالأمات إلى الدجيس اب يل كرا برك يركي المان فيا في تكون يرح ه ا فروز بو بي كالتما

مين ، قراب يرك ١٨ ي ١٥١ ك يام خاري ك الحيدري とかりからこうなんはいりんこういいのかいん : ciyourun ه العن ه و الله عن الله كا موجد ي ا ورسال أن ميس است ميدي موينة いいはいいけいいまかいの كالشين ليميز جام إلى مي ليدور كالأجس كرونين كالتطفي في كالتو مرد: قد إلى يك يماك مشانكت ويلوس بن مالف يكت بول.

اب زياده عيت دار وسك ايدخراب فيدرا اختيام إيا وكدك ال فيعام اين فا تقست مين كالمرت لا حايا جين اب جاف シャンのとりはいとうからいろくとといいかいかっとん يط والم إذ يوس آيا الب منيع والله من مي سينت كا المراي كالكيت はんといれているにっていからばらばられたあのかんこ ليا - عقران ديد لعددي ديري من الدودي الدواري الدواري . عير الحافري تقول ياتفي در کے دیا تھیں کرل کول کے دو ملف مین دیجے لا موت دوا کھون

كما عظم والت وور ف الدائي بالاول كا يلا والى الا كا كم الله الدال كا تك في العجب ك ملت كل حادث كال بين فكبان في ال لى در الله يعرك كما و حيين إلى بير ال يور قال دان عفرى كر معدى الكاوران الخورات جواف وعضه بوده كوريك يرا بروزت كوالهان القربزار جواول ي ويكدد إب " عُسِينَ ١ مِداكَ بِ وعِده مِرْكُ الْرَف أَمَا بِ النظمة كُوهُ وَلَدِينَ الْمِيا الْمَ

طرمني وبالك زحارة ابركله جذبات لدوحدت اين باكشش دكت ين الركومي عناك الرجم ما أل احب ال فيدتان في جيد الإرتاء مين .. و طالات شيك كاكا وقت الرجم فالكا جودك الن د وثنان اعل الاستدامل . طوعتى . ال العدي ي الله العديد كا تمال الطبال / عكري الل اس باد اورده و کس ای رعل کرد.

مسين، ووفي مل سے وود عارك الموسى ايرى اتى راست ادريد ولا لل أود ومنك من اعظم والدي يدي الدي كون ا يوزيرد كادحال نفيب برو اللك المريان يوف يو ف ك الدناد وقفاء روك فكا در يدان يك دو الريكال بروالين.

خرائق الدبدومد مشتاخاد إير والتك كافاؤكر الد 二月のはとしいった からしないかのはははいか - culticityist مين . - يامن يوموم ويادان طن جاد كار يك الديام ي رروال عزا الدخاك المالك のよりともはるとらがいからしょした-1012 يفا وي قرع وطري الديان عي تجدايك ماذ بالكابر ماديا

cellendes copolosissis io-دانته والدفر الكنده واست كالديرجاك فأطر فاب ادمنت اتى ويريش اودمسب ودي بجي الكيس اود زمروسين كوميانة بيك تعرودي Elpuis suroundaisender. Fine

الت كادر ألى جاب ودوائل تع ال الدي يك الى مينا ووم عراتها ا ورود مريد عي فترا بدو طوائي مينك دين مخل الدين كي عرف واقعات ك ي و ا ما كالما الم و في كواد دور واب مراوى من مند وري ميد كالبدول الدوجرين و والى والى يا ي الحفيل مديد عان في والم در وبيرست م والم والم والم والم والم والم والم وي الدوم دوك التروم دوك في التي المن الما ودوار جام وري من إدا تد فتكى كأبليت بدا كروى ا ورسب وواس فالم لورك يدفورى كارني بالأعمون 山、ことけのきというごしかがありだらいといるいかと

دوم افتدا کے علی براجام اس کانت دالای ہے جین اس المعتد المراس كالما ميما والمناس كالميام كوالي المريد كالميموم というといいまってかけとうけいできるいがらから والموس بدى والما والدى كيل والمعلى والم تعاد و بالي الرواد بن ال ك بدائ إن ال ك المراح ورك أ ومال خلت وي وك بد من منا بوائيا ربوك الحاصار كان ين أوازا ل أسعير عالى والله 生 とうこうんけいと progres York inou ادو وجرد من وخل مورت ادى اتبادكول سامعين في عدادة كا

على دى ادرا تا جنت يادم دے يوك دے دے يك كوس كا عاد دفق مع شيريا بن ك إلى بن غيدت ك من الدواس مزون لدى الرارة فا عيم اليول ما وواديد مدمية ادراك كرول إ בן עלוביי ל מפונט ון מווי فني : بنين تي يرطال الني بن طالب يوث البوجاك مثان إلى アトランドといかというとからしまりというはまりと ب و يرك إ هد عليكاب المديدة ال ولان ك إ قدر والدي

كويك سع يترى اس طاماً على عيد رما في برق. ين : . فرين الي اور جند دور جنت ي رين كاكند منديد منى دال داد كالم و د كى م يدي تراس و عند دوي كالوس

جراس ما وفیدی وارت فقد ای ایام که بخشری سنتی که افتار کارست کر Experience & waret in to sto conset المعت وخرث عي ظاهر إمرأيد ع تعرظمت من بستك وال

فوسى ، قى ن كام كاد وع دى فواستان اكا ب قرا يك كو المستان يا جحاكة وجسته المول في مرت سيعيد في أمامت بدعاتها في المات الماليمية الم ي كي و ي الله المن المريد الماري و الماريال المريد الله المريد و المريد Lot Librofien North EDICTIVELIA

ال عملت كما كا دكافال ك دروصف كي تتريق كم فيدون ور الدائة رئے بعد الالک دستان جان براس کے سے بی دوگان کا جرب ک دو تن د دو کارے در الله میل اس کا جرت کا کا انتخاب جب دیان ر الأمر برا في فالكامل والى والله وحالت إلى كمرا ب على والله وعالمت إلى كد وه الترجيزة كما هذا الأثمر جزئي الماك صورت و كليفري الماء إلى أساؤيّ كما الميكاد بركيا كر شجر معرضت كه ايك ثامنا تم مجى يو. "

صین ۱۱۱۰ آی بال کستنے ہ 一日はのコレンノコピーリアが 18 US 1 JEST

· Lite 12 min cld in الم بول، ويس كريان عار دراى عاد من وا الرق ، بال الايك · cultifluores

حسین ، وه ایک گفر ی کی گرفریال بخبرے کول دیے و الم كافر قيامت كك و

Subant 100 ment 100 15 6 050 10 2 18 28.606.67 xx 203.00 المرجزي والدي وفدك والدي معتبقت خاري يهي

- 4.2400 Usis Los صيى: الثاير تبارع دمث بين لك بون 2، ٧ فر براد الركي فرورت اللي وداف قب عدي خالات ور

ول عن مداكروتي وي -صين : افوس مي جنت ساير كي لين كم ثناه يي، المرجن : الدوود والدك اللات دارد والعلام كمعال دراف ك 2-18 cho 1 2. 345 6 600 8 - 4 5 1 2 5/19.10

فالمراد كا يرك م - بدا الدكال دوافي المرا والدكا والما الدارة والمالية فينى كالكاكول الدهب بحيد ويدني فالمناف ويتوناه المرجدة والا وال مالم ما مري (الديدية م عدا المنافع بد

ميان ، وعجب عن وادي اون إداد ير درام ي ك يك الدين والله المن الله على الله على المعلى الله على المعتقدة لى الله -3110000 كانم جوَّقَ ولين ابسطوا ورحليب كا ادا وه كرو .

كراى والرائد عى وه داوى المن كي بات إلى _

مين : كرفي اكافردوقاديك الماس عال فدين كل يوالى يرا 48811

المرجول المدمون كوالي الميكر لكا الريان يقي عال تعد · 5.00 5: - 17.07 6.07 いんいいかとはんかのとせんいっとはいんかん الزدول في ال وحشت الكرمكن والمعدد كوي والادر شراحفال من تشف 12 De lo e de soroz je son L 5 612 die FV

يم كم يومين في من وخست كادود والمرطب كاداه ك ا كامغ الم حين بروقت جنت دو الرك ومدل كا وجزال مي وقد المرج といういかっていん いいしゅん かいかはんというべい LOVER ET CLEUN - 3, Becyl id po c po or pods はいからんなかんとうるいからり とくからんしん وع ين كمان الله الله عقرتان مع تلح تعق كرك ين الدال الما والعمد عالم مكرت يريكون كرموت كرات اب الرائد جيسك وواصفها عدع معس كوما دو

عًا وعديك بيت بي فأ اصر ميدي ذاك وال يع تقوا في ووجى ألا وال يا حيق وهت دور الدائرة والمرافر والورائود العربها ل المن كالمراك الم عاد المساكرادية ووطع والإراكة والمارية والماركة مع ك ك دور ع ولان كورى ما لت سوم و ما ك ع سن والان عنى ما وا صافت می کا شکامے کو د تا یا ، وارد اب ای کے دل دوائ ر سے سافات عادی تلی را نظتے اللتے اس تے جائے سرحالت میں اس کا دل قرب العد ریافی تو ديك - دولهي وكافرت و في عن ادركين ميرد على كالدكر في في ري العاد الد رتان کی فراب د کتابی دوشرطب می بخوادد بخ نے افا کے اس کہ خال ع كاد والطفائك كراب بديم الوادك " المعتمين إلى وجوت الرق

ين : - ياريك) العالم فدك ميدن بودك كينيت ديكون . اودا م とういとさばんべんはんのではのかいかのかんかんからい الكاعلى لال الإلب و تقا . فأل أولا بن ع كور ولا ال 140000 ين السائر والدمشة خدا بالوسف وبالكاركا و

معين إليا يكر ديجا لم المحولال تمامه كل . ين : (يْغُ لُمُ تَدَمِ جِم) و عَنا الْمِي اللهي يرى نبلي بواقة -يني الريوع عرفال الداستان يدده يني عارسا قا الموايد

یے مدر بھوٹی ہے کہ ان واز فرار کا شاکھیں سے ویکی انگرے میں ہا کہا انہوں کا کہتے تیں دیکی استان کا وادان ایکن این کے دیکھا اندائیٹ آباد کا کہا مسیحان میں مسیح کے مدال کا دادان ایکن این کے دیکھا اندائیٹ آباد کا کہا کہا ہے۔ مساور وقت کا اور مکھ مدا اور د

عظم الوطون با تأخي المراس مستون والمراش المدورة المراس ا

میشن ۱- گای دیرزن کردکسا نر پیشندگرهای دادگان داده پمایرکامه آن این برگ جست کیون مشکل - آب که دست کرکس پرتفویت پرتفویت سیخ ۱- چهایی ندیر- فیمیترا یک دند داده میکای نیاسی با آرتی می

عظی ، وجا ایک وجرے گھیڑا ایک دند اوں مکن بیا ہے ہاڑا ہی معنوی بیدا کرا تھ میں کے ان دربار ایک میں منا اگرا کے ماہ جن اوں گا۔ محمومی ، جنع فرائد کے اور اور ان کاری کاری کاروری کی میں مجمعیت سے اور اور وزیری و سائران امکان ایک کے عرف العب سے کہا کہ آئس کے باور کرکی ان مطرح کوئی۔

می از ۱۰ کارون کرد. می این کرد احداد می از این کا دارد که داری از ۱۰ کارون ۱۰ در این کرد کارون می از این کارون از این کارون ۱۰ کارون ۱۰ کارون این کارون کرد.

همیسی و برگرای کامیسیت برسته به تعلق کی سیاه بید. شیخ و دو الدسته تعوید که با بیشکاسیده بیده اداری سیا با باشتوک اید داداره و اکارتیجهای تیمی به بیشترات بیان شدنا که و اکارتیب اداری یک ایرای توجهای تیمی برخ بید. میشی با همر و دانهای این بیرشت آنان بردی اداری می محدور مکان نا

ر المراقع المراقع المدينة الم

ر باز باز باز یک به نام به ما و باز مان ها نام به نام ما نامه نام به نا

ریک کے میکن رنگا سے دہشت جا اورا یا انفریق احد کہ جات کینے کے بھے وحق کا دادی حیث ایس ایسے کا ممال کے لیے نیاوہ جزی تھا سیلے مرتی کے جاتھا ہے اس کے والی میں اجرائے تھے اس اورائی رنگے سرائے گئیں میں کا موجئت ایش ایش براہریشا فیرس اور کے دوکس کے بیستا افتان بیش برمکیا اگر پرسے یہ ہے ہیں اوریٹ ای کر البیضیاتی۔ یہ ہم میں بہت ہائی و فی ارکیس منا انہاں بہت ہیں ہم اس کسر بیاب گائی اور بیش اسکانی عاملیاتی ارکیسیاسی بھی فی دارو برسے مال ہے ہے گائی اور بیش اسکانی عاملیت اس کے باتا کا نامی مروقت برسے اس سے امالیان تیمیان تیمیان میں اسکانی کا المالی

المان يوسي من . غير . . اب من شعر الدياد تساكه المدار والا والم تا ترقيات ألى الكوافي كل المدار والمرافق المرافق المر

ي المساور الم

در بردن بردن کند. در داره برد که داره این بیدا تا بیدان باید از بایدان کنیم سال به بردند کنیم سید بردند به در ا بردن بردن که دادر دادر بیدان می این دیدان باید بایدان بای

cutor Brown marsh Foright x vices is

ر من المراقب المراقب المراقب المراقب المداول عليه من المداول عليه من المداول المراقب المراقب

والبدئة الدوليسة العالمين. "مع في الاروف كم يعدد على المراجع الدولية المواقع المواقع

المجاهدة عبيد تقيير ميركوني الكوافية مي " سياح الموافقة بالميد وقاعة ميكون الموافقة الميكون الموافقة المراكزة من المراكزة الموافقة الميكون الميكون الموافقة الميكون الموافقة الميكون المراكزة الميكون الميكون الميكون الميكون الميكون الموافقة والموافقة الميكون المي

ميران باست از كه الكون فرنيك با بان أي الميان الله الميان الدين الميان الميان الميان الميان الميان الميان المي الميل الميان الم

ک فرو مگ درده این از فرای می امراد اندای برای به او با در این به او به در این به این به او به در این به در این مرده سرح از درد نام در این به این به در این فروه بی این این می این می این می در این این می این می این می این م از این می در این می این می در این می این می در این

37 327 : 34 4790 600 00 mg d. 8:000

المستوالية المستوانية المستوانية

اد جاری بر جایت آن اسال این کام احرار کے کرنے ہی اپنے کجو دا کہ جا کہ ل ب کی خوشت جواج الی کہتا ہوں ۔ مستنی : حاج کہ احداد اللہ بری کام را اس کا احداد کرد کا اور اصاف کی خوشت کی تجاری ، جان احداد کارون کے اسام کہ باطارات است کرد ۔ آ ہ

ه من المساورة المساو

المان المان المان المان المنظمة من المنظمة ال

کے داراں میں میٹروار والا کی ایوان میدون مریک ان نے کہ اور میریکی مفاورات کا بہت ہے کہ اوال اور میں میں مائز پر آدا ور میں بیٹ میا میں والی ہے کہ اور اور ایسٹ ایس والد کا رک اک است غیر مائے کھا کا جائے ہے ۔ معمونی اسرائی میں وور کے کہ اک است غیر مائے کھا تھا تھا ہے۔

در ودهر شدن المواهدين و وقع المؤودي عن من خوان توفيل أكد وهندين و والمواهدين المواهدين المواهد و المواهدين المواهدين المواهدين المواهدين المواهدين المواهدين المواهدين المواهدين والمعرف المواهدين સ્વામાં મુંદ્ર ભાગમાં માત્ર માત્ર મુંત્રી માત્ર દા માત્ર મિત્ર કર દા માત્ર મિત્ર કર દા માત્ર મિત્ર કર દા માત્ર માત્ર મિત્ર કર્મ મુંદ્ર મેં મુખ્ય દેવા માત્ર મુંત્ર માત્ર મુંદ્ર માત્ર મુંદ્ર માત્ર મુંદ્ર માત્ર મુંદ્ર માત્ર મુંદ્ર માત્ર મુંદ્ર માત્ર માત

من الأداري توليد من الما في الموادي ا

الذمع وزاً لا دخل فارة السابق . منول التي المالية المواقع الم

ز ساری میدان بود کار بخوانی از حرجت حاصی کدیست برای از مرجت دید. قریست حاصی بروایت قریخوانی میدادند کا مؤدرت کیلی دی قر قرید نراست وسوی بینی نیام از ای حرفت بیری فرخشومیدادن کا مخلفت میشود. این ایری خشاست کریمی فقر بسد او او فرای کسیلیع میادند کارتیش و در بازی برای یکی او ایری ماثاری حالی પા માર્ગ મારાગ માર્ગ મારા માર્ગ માર

را من المراقع المراقع

ر المناوي و الكن المؤافر المنافر المنافر المنافر الكن أن كما يقرأ المنافرة المنافرة

لاركنات يرال كارز عين كالمال يدرك المستاد الروا ماده

ر برستا کو برگر مدید کمیشور و وارائی عموم بشود است بیرام کفا که گزاره می شنبط است از کار ای واقعه را کنند تا بیری برد است بر بیری برد این از میداد است برد بیری برد است که این برد برد این این است با به بسید کم از این برد سال بیری برد این وقت که این برد بیران نیزان که از با بیشند و میداد کار بیران برد آنها که ایران را بیران که ایران کرد. درول میشند میشند که ایران که با بیران با بیران که میشند که میشند که ایران که ایران که ایران که ایران که ایران که ایران که برد با در ایران که در ایران که برد با در ایران که برد با در ایران که در و دراء راجرت سے دولیا ہے۔ میرجہ و جاں لیک شان دولریسہ از ٹینا کٹرا کو دل ہے ایتیا و چاتھ سے انگل کی بیکن ندا جا کے پائے اسٹ کل کر ہزاد کرشش کی کہ کاری انقیات دار اور نے ان

کا جارب شک در اور دوران در در در اوران کا متارب کا متارب شد بست می آد ایدا نروز خابید که محاولات در نروز می می می در انتقاد می در کریسته آزیشند نما دادهای ناری می که ایران میشد نامی در انتقاد می میشد می در انتقاد می در انتقا

ومورا در ناکستری میسید برای بین اداده و می دانی خفیه توجد خلی برخوبیان اداما انتخاب در در نام برای می برداد می اما و برای می برداد می اما و برای می برداد می اما و بردا میسیدن در کشون خلی اما و اما

دوز در الكدامتي نت ك بيناكب ركارًا تما .

يسرزا محديادي وتوا

مالات ذکرکی | در ای ای این این این شدود کشمی را ی هی را ای رای این این می در این کشمی را یر هی در این که این او رای می معرجد از فدن می چیز کرشد تند این او این این او این برای این این در این واقد برای این این می در این واقع در این این می این این این می می در این این این می داد این این می در ای می این این در این برای این می در این این می در این این می در این این این می در این این این می در این این این می قالى يقرك و ترق تعريجي مداك مدينة يس إلى ركين تباط رياكي كمانشان کا دونا او تذیبی ہے ، اب ای کے عقد اللہ جا سے جن ای وقت بھالیک بنول وما كالمارة على والمارة على والمارة على عرف على المارة とうからいないないはかなのかないいのできる مين سي و المرور عالما في المراج و الما الأو يال مين و في و وي مريداون والمروث في عاد كالتوالي ويوريد والمين المدرو は、これはいいいのはははいます. いいからとしんいるよ US 3 138 138 5 0 3 00 Les . 1. 6 - 1. 8 00 1 0 0 00 00 ين ناع دُوامِنون كي سيدان كها عالمين على أويزوى من أو دولك

はんじろをユーターからいろいいといいんいいかんといんといん الف الازوال الادعت يركان الدعة على يرواللي طروع بوتوا يرسدوا وجرورو إلى مورية الاسا فام كريت مارسه - Valabilia كان ووية الله على ووين عن الديدة - والتويدون على الدومارات عديد ترجيد الل سناوه تاري مع بال بين . م يناك يرك كل الأ

الدرنان في المستقادة والمنافع المنافع المنافع

Lyukade. 850pm. 2 min byc wing 856 جويرث بها كه وما بشا . فودكيل مي العداف بوقي . بليدك والانتقالين ولك ويون ين كف لها ين عدية الوراع عا ول كاويراد تعاد الأي يش ول و تيس مال يد ي تو دول كو كالديد عدان و تعادرس الد كار يا المراد ميد تع عرب الدي و الم ما ي دون على عدد ك دون ك الكول الله والله المعلم والله ما عندون كريك إدرى 6 دي ، ومرى طون كر الله الدر اكر الله ير

الكريل ووكو الله إلى كالغ بالله في رقى وزوع سع زيان تقدود مار دريان بالدينان من هين -اين جزي كالمكول بار عاد عاد الحرادة ひしのかのかのからというはあればれのたいとこと مرور تنس مارس المسائد عدد واس كالمعاقدة وكر اسم - があれいとくかいはいいかときころかかんにん مسقال با بي مدل بادي ا دي موق متين حمدمت شكل بن نج اي بجولول ي في فتي ، الأجر ويعتبت ويعودة ل ص مرا تاريني بركا كالي يى والله والمال المعالى المالية ا

الله لا نقد . يول الرق تهازيك الأحن بالتول من بالماي كا في من

والما الما أي هدوانا المارا تصور والا واي تقيل و تكان كالإساعيد كالدائي فاك الروستوال ومنى ركريج الديس عبرى بن ومنى . ول دول عجوى كريما في الله الله الكرواب والوجنين وكا . كازكر ل عن مرا الكروعي ت داب عدى تلايراك ي الكرن الإمام مرع في المان

ع الريال الكيمين الماق - فاك ميمامو خاك فقني اورسعيد الأكيون كم نشنيال جاءً كاك تقيل سدالاي الين اللي آذه كازه تيديد يقيد مان على مرت ليل أورسايت 1. 19 1/2 100 B. P. B. 2065-30 2014 LUL & BEESIDEE يوكن على-ابساد مريد شاوي كاتعاضا عند مري بيرسي أرب كي يرباري يوفي يتي بيونها تاميد دهناه هيه بيون كالكرتاب ثبت زاده برازا

というがからいかいというけっちいかかんと لات ويل بيستسين مدال على مدحل المراد على ال ع في الت المنول في 24 2048802 12 12 15L يُول في الله ووليا والني عيم عيما الديري نسبت اللي ي يرك تش كو يي ويجعا هذا ينؤما لله تحييل متى سام إن جبز لا ساران كريك تنع . كي دويه ك اورلك

من وب ك يسيدى تأدى لانفرد ، ك عا . راحكد ابا ال من جب شادى ك إلى يرك تا تين ور عظم ميك الله ال ودرول ما ول من فواعش مرة الأسواه مرع دونها كا عورت المن و اليك - 25 31 6 52 4 in Lund of be 25 10 3 400 gen مرے وولالے ایک مرتب میں اوگران میس میس کرمن کا در ارا ایک کو ای وحرال إلى مناب ما أو ركى بوال ين مناس يرادد بالورك دوزمن علامة عدا تها يروميث لادكا كدولا يا وردماوي الد

العراد المراد ال الموال عي الخاطات مي أو الله المرك و فاق بول كوي الاستاجة اولك في حالت مير عيدال جن - اعلى الله . الله وي الماري من ي بعد له تك برق معدم بول سيس . ملکا ویش کرمیب تک جات ہے ہے ان ایپ کے گوری ری مجے کہ فاہوم يها يو الما يكسر ترجد من الله كالكريمة من المري كلية من ما يا وما

ور مادی کا شا مناویک ان سے زباط انداد کا رواب کستی بول اس وقت آن ليزكون في كرفست كن جزك في صوب كارتي . ال في كري الحادالي كا تحيين من كي سائل عددى مرجها يا- آخرب دوت كواين في وكل الله على ع معاليات مركبا الايل عال غايد فا كو الم عن الما الله مي ويان سان رخايد ع - الروات مي ويكن برق.

علاسا كالحدادات زاود عرف المراك المري مين عِيالًا وَاللَّهُ وَاللَّهِ وَرُواكِها مِن وَالرَّفِيِّي اللِّي وَأَن وَأَلَا اللَّهِ عِنْهِ اللَّهِ عاتی ہیں وجوعے جتا کے بے جن کے ارست کا انگر میں کھوں ک ひがかれといいのかられんからいんこんしい المعيدة كارواليما ون الحد عالى ركوس الله ما دكر لاب وكا والاد أل بل معرف الدواء المدون والاس واللا المات

maghet he geef at was produced produced as general as general transport of the control of the co

من ميون قال و رکوب مي هم برگار بهاي كه چر بداد و يك كه بريد و ليد هي ميليات ميد بريد به بريد و به او ايد د ميد ميلون و به كه ركوب ميد به ميلون ميلود به بالدي ميد به ايد واده قال ميد شده و به بالدي ميد به ايد كه ميد به ايد كه ميد به بيد به بيد به بيد و بيد و

يادد أور وت وت يكايان يال والماش.

 هي ماري ندفه الموادقي هي الموادونية . وسب الدوادة المؤدن بيري المحافظ الدوادة بيري المدينة المدانية بيري الموادقة المدانية في المدينة المؤدنة المؤدن الإيلان الموادية الموادقة الموادونية الموادونية

مران وتران مداحب الربن نے اپنے ان باریسک گھرا ودیکیوں کا مالت کالجارا خشند آپ کے مداحل طبیع و بالدیت مداری کننے جن کا گھرا کا دران مالا کر کا بری آویٹر آ وائمنس میں آپا وائونس سامند ہو کہا کہ موالی کا موالی کا بری آئے تہ آئے کہا کہ موالی کا موالی موالی کا بریان کا موالی کا موالی کا موالی کا موالی کا موالی کا موالی کا م ایران داران کی کا موالی موالی کا موالی

4 L Sidle St. of L. of L. of St. of the St. of St. of L. of

کی او کی زکور کم بستدگری وه کیستگراوه (این اطنعیشی ترودشی یا آن می -جران با موسفه دادادی کنده در کا دکاری میش . ای میسی که که دیگیتی ا مین حاصت مجدست کریدان ایسیکی میشمان بج است نگودن سندنگی کرها ب جمیعاتی بین ای که وای طرحت جهان یا کی میشدان با

ہوں وال جنا ہی ہاں ریک ہوں آتا ہے کہے مجھولیں اعدائی کے بعد ریکہ ہدی کوئی اس کے اندیش آدارہ جوگی ، ان سے برطیال مدا ہوگا کوئی گئید اوروق علی سا دائل ہر نے ان در جوگی ، کسی سے انکو نگا کے گئی کا کھا گئی گئی کا کھا گئی گئی ہے۔

من انتراق کرای کراری دارید و دخیا . واد دان و برای کرای دارید سیمان برخوان دو برای دارید از گیری ای به داند با بخشر برداری در این دارید می میشود امران دارید برای داد. چرفته کا با خدان با بسان می میران که تشوید برای که در با میران کردارد برای میران که در این میران که در این می

ر المستقدان و المستقدان و المستقدان المستقدان المستقدان المستقدان المستقدان المستقدان المستقدان المستقدان المستقدان المستقدات المستقدان المستقدان

<u> او دخال</u> (نجا اُن کی ایش بروارشوم، از کام دند بینک به و مرتاجی آ - چی و مرتاب و مندس سرک و ترجه را راه او این میکانداز در

لكين الأولكي الأسندي مذهبه الك - " جارك البارك الاهلاك ي كما بات الله " و دموا و " بات بي كما تق به يع ا - اعبا أو تعراص بات كم الحدد -

د الله المنظمة المنظم

برائدی کرکے این موت اونیں ہوئی بخواری کا موت کے دلم بریک وی کا فائد مثال اس آج رہے کا واقعاد نے بھال ایک کا میں مرت کا کو الاک تا کا اون کے کھوٹر زور سے مرتے کی رادان کو بریانی کا روید تھا کا رادان کے کھوٹر والاک کا بریان کا کہ اس کا اس کا ا میران کی اگر کا دارائ کا کہ اور بال دوری دوری ہے۔

بریم کمی در ۱۱ مان کھوڑی ہی گئے کس جوکن کے کوائے کو اور جہسرے بہت بریان میں بریان کا دیکھیں انصاف اور ایوں کی دیگری اور بریم کی ایک میں میں میں میں میں ایک کا دیسری اور ایک ایک کی ایک میں میں میں ایک کی کا دیسری اور ایک ایک کی ای بریم کئی ایک میں کئی میں میں ایک کھی ایک ایک کی کر ایک ایک کی ایک ایک ایک کی ایک کی ایک کا ایک کی کا ایک کا ک

ر المحافظ المستوان في المستوان و المستوان المست

برانع برقام او سد جان کافت در بریازی گیادی گذشته بیرانم برقاری که در بیرانم داده بیرانم داده بیرانم داده بیران بیرانم بازی این در افزار خواری بیرانم بیرانم بیرانم در برای این ساده بیرانم و بیرانم در این از در این بیرانم در این بیرانم در در این بیرانم در از این بیرانم در این این بیرانم در این این بیرانم در این این بیرانم بیرانم این بیرانم بیرانم بیرانم بیرانم این بیرانم بیرانم بیرانم بیرانم این بیرانم بیرانم این بیرانم بیرانم این بیرانم بی

بورسترای فراه برای آن کیلیده. عود فوات استفاده انگر که شده که ۲۰ برایش کارد در کارد اگر سه که از مصرور در در کارد عود میش زیاس هزار از که او که کارک کرد با که کارد که اورشها کارد در بازی کارور کرد برای که اورکه کارک را در که کارک کرد با که کارد شها کارد

کور میریا کے در توری کرئے۔ دورون : 55 کر کیرے : بریالتی، ایکن ہے کا طور ترقائق این دران کی مسئول ہے ، ایرواللہ دورون پر جمع والا اول کے کہتے ہی یہ

ر قارر خان به جهو لا کا لوار کند کریک بی به رخمی به میسود میرون برای که و داد و خان به این میساند کریک جانبانی به برای شمق می کا دارد سورسی قباری کندر برای به ر بر سال به الاستاء بين المراح المراح الله بين المراح المراح المراح المراح المراح المراح المراح المراح المراح ا وراح المراح ا المراح ا

ا پ پرواده ادا او در ترسیق کاست ایران ۱۹ میونیسته این این است. و پیشه میران و برای برن کوراد در ادارای از ایران آن و در این اگل جرا فکس سربری ایرون و جران برای برن سرب از ایران آن و در در الله و در ان ایرون از در سرد الله و در اند در این در سربان و ترون ایران ادارای بر در میرونهای این از ایران او دیگان این از که اینان از که اینک

But property of the state of th

رامة مثلق سر أن هذا بدر يك مكان كارد را الدراكي با در المراكية و المراكية و المراكية و المراكية و المراكية و ا مواد الروز الروز الروز المواد المواد

المعرب مي أو ال كالمنال وكناني ما وي رجب حسي ول وصرب وال

المرك كول كي قراس في له كور ديك الي في من الكور و كوري كوري كوري كور و بيت

كل درگان بياز داخلي با كان آنگ كه جرار كفيت و جوان يا ديگرا مانته كل مسافل كان وال در بادنان آن كه دير با يد به با استان ان كم يكن كان مراقب با درسر دارگران سه برگ مسافل از ينها كان به بر ميكان . الاز چوان مه مجان برگزان به با در يكن به دارس ما موان برگزان . در در از ميكن در درستان موان برگزان .

17800.00

می افزاد با در این است قدار که داده این افزاد به کشور به بیشتاره و به بیشتری به بیشتاره به بیشتری به بیشتاره ا روی بیشتری بیشتری به بیشتری بیشتر بیشتری بیشتری

ં કે મેનું ભાગ પ્લાન કે માર્ગ કર્યું હતી કે તેમ મોળ માત્ર માને માત્ર મેનું કે તેમ કે

ا برارگوارید به و می رفت ها را حاصل به کسید که هم کام این امتداد دادند. در بای میموان به میرکوان به داخل که بیده از میرکوان چهای سیلوان که مین این بیشتر باید از که را بر بیوان به که دا بیرا میرکوان با میرکوان می بدارگذار آمامان میکوان خوبیدی به در فردی میرکه بیرا برای این که و این میرکوان می بدارگذار دا میرکوان میرکوان ایران برای در فیلندگذاری ایران میرکوان میرکوان میرکوان میرکوان میرکوان میرکوان میرکوان میرک

خاتم برس الجعاء ميز كيان جوارة مير تمكن و- ايك ميكر حاجر خداجية صاجران مديد كم واسطيعول الماست ال مي و (در کم) بنگل بيد . متخل در حار کر کال در چه از کال کال بيد . حقل باري سري مي مي در سون از يا که نوک مي کند ي . ميمول در افران که استان مي رسيد کال کال به به او . ميل در انجام کال به مصنف کرال به ميده دادگا که اين شد . اين کهريد . متخل در اين کال در انداز که باريد و دادگا که اين شد . اين کهريد . متخل در اين کال دادم که باريد در دادم که ميان در دادم که باريد .

مین - میران واژی مین به میران مینی و شایدی ایروک کنام در تری اداره بسیدی کارگیسی آداد در در همانی ایران میداد در در ایران به میران میران میران میران کارد و میران داداری کارون میران دارس ایران ایران میران می

دلالیون کائید می آئی وقد اسراه باید کنند که استان برواه ما مسیدگردش خواجه میرورهد دیگرید در این باید به در کامی این می در کستان برواه ما مسیدگردش می کند برای در دود در این باید کار خواج در کستان به با به یک کارکلستان این این کاهای در در دود در این باید کار در در در کار

مع جائيدة الله المستوانية المستوانية الحق بالموسط المستوانية المستوانية الحق بالموسط الما في الموسط المواقع المستوانية ا

10 (1900 - 190) کے بعد کہ سامان عندان ہے۔ کا کہ یہ انجاز اول کی افتار کا کہ کے مصلی کا کا اول میں کردی کا مارک دھوائر محدث ماسانا کھڑی ہوگا ۔ فائر کیمنی ا

میخلی . فام میں صید . ان ر مسئر کے 20 میں ماصب نے صد وقی کھیں بہت سے میرک افزار میں کی کار خام ماصب نے صد وقی کھیں بہت سے در کے افزار ان کی کستان بکور کے نہ بدان ان میس میں بار کر اور در کے افزار کی کسمین کی شاکران بے دران میں اٹر میں درنے کو

الترکیاتی لا در پر برش ماتی که با در در این افتحار در بر و که میماند بند به این اور دو در این با نیج او ب بی ری رواد در این که با در در به کرد داد در به بری در در در به میر در این میماند بر بری واز مراسم این در در بری در در بری بری در در بری در در بری میرد در بری در در بری از میرد در بری از میرد در بری از میرد در بری از میرد در میر

مشیق فیرهای حریمتی برداست. خارشش می بردان بد سرود کا مدید قرم بدان بد ها باشد عمل باشد مرک کواند چین بدرای و داره ایر ۱۲ کابارای بردازی بواز استان با خان می مرک کواند چین بردای هدف هاهمین. داری بردازی مرک کسیسی می مداسب توسید میشود میشان می مداسب توسید میشان میشان میشان میشان میشان میشان میشان میشان

حسین و خارساسب بیان پر بیلی سیدگی ب فیتان بس بر این می وقید می کاکلی مرق بن . عائد ، مناکون میں - سے اجواس والا کا کسیست تفاعدان جار کی فی او وقت کو کس میان سے ان کرتے رکھ رکھ ان تحق بخول سے

ں طبیاتے ہے اوٹوٹائو کہیں میاں سے بات کرتے دکھ دیا تھا بچوں سے بچ کے ادکواہ حسین و ، و نیا جی جہا بڑی کرامی ، تیاست کے من الیسی جووں کامنہ

24 . در الایرها، جو کار خواک که بروی که . معلی و فرب بولا و وال که یک منز بست رسی کم بد فرامیل شودی منت که . وی کار به فرک و گیست ریک دیرا واقع . ای ایسانات منت

25 - شین اور آب کی واسمان کائل برای قیس-ان گفتل کلید میر سد ای چنوگیل کارسادی کرندگیل

مين- ي الكان عاليه :-

استادی - ات کول -نائر - خان صاحب اشاداند - در سرے ساتے -زائر کی قرار میں تنا استاد - کیوں به -بر قریق میر انگر - فوز - اور کیو آپ کھوک سے نے جیتے ہی کول به م

بزوارت او دول جرار با دا کونات دیگا . امستادی به بهت فرب بارکستاری دیشانش .

ر در که در کار کار کار کار در خوان که در خوا در در که در خوان که

کے تھے گری مست لا کا مقد معندان میت ایچ محلی و دچا ایش کے گئے ہے گفت نا رق میب ان کے کرے میں انتخابی او سے دانتی ان کے دق آوی مقیور میں والا کی آبان و ادامری افزان از رنجی اسلومیا درے کا ساسل دھلدتی لا

حق و " من به نين و الآرم بالآرائيسة النسار يودائيسة ريح و " الآول الآفريسة مثالي به ابطاء الاستعاد يوست في ويخاذ " يجاه " الغرابة التيمن قاورة ريحة الإمارة إلى التيمن قاورة كل الأفراق الأمارة في ا

وده بي گلستانگورن هند بالان تو که فوترا تو اگر مستان الانتوات الميكه با يزار من قرد بر جاست دو دي كان انگورک که اطوات کار يک و آماز ي دو الدارستان که دو عرفها و بود با که و اي کار يک هنده ايک دون از حاصر به ساخت برادم که فوت کار دي اي دون سرحه که کار دارستان والفائد کار

کی راحتینا والیفاندگانا : ناد جس مدید نے جس کارکوریا رہی نے جو رای طرح کیا ، مثل واقع میر اجراب نے خادم میں مدید کا گور کے دکتار جی مشاول کا است رکھنے آئی اجراب نے برجی کا یا جو تراق کے اورکورائیسٹے امتین کیا گیا ۔ اخراب نے برجی کا یک کھا در اس کا ایک اماد والا وصورت سے سے اور والدرکھیان میں اس کیا ہے کہ میں کاراب میرون کا ایک جو اسکان کے جا کہ کارکھیا

جي بيشتي - من دن سے فاتر او او کامان کو ميست بي انگرا ديو . ايک دن ايسا انگان مي کر ميسائز او گا دي ايس . خاتر مجموع و ديي . چي خاترا دي سے ديا گذشان مي کون سے يا اس کون پ المراقية المواقع المو

ودواهت يى - اى كريان كاكون خرورت نبى -

بر این این بی روسید و برطر برای این برای برای می این امریکار کشید که به میده که و کار هم برای می این به دار این این این به در این به این به در این به این می به در این این این به در این می به در این می این به در این می این به در این می این به در این می به در این می ای

8. 31816 SAC-MOUNTER. 8 8, 80, 54, 26

તા તો જ પોતાને તેમણે (જે. 16) કે પૂર્વ ને હ્યું, હતે કે કે સ્મૃત્ય માના માના વાર્યા (તે અપને 14) કે સ્મૃત્ય કર્યું કરે કે સમૃત્ય માના માના પ્રતિ કર્યું કરે હતું કરે કે પ્રતિ કર્યું કરે પ્રતિ કર્યું કરે હતું કરે કે પ્રતિ કર્યા કરે કે પ્રતિ કર્યું કરે હતું કરે કે પ્રતિ કર્યા કરે કે પ્રતિ કર્યા કરે હતું કરે કે પ્રતિ કર્યા કરે કે પ્રતિ કર્યા કરે હતું કરે હતું કર્યા કરે કર્યું કરે કર્યું કરે હતું કરે હતું કર્યું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે હતું કરે હતું કર્યું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે હતું કરે હતું કર્યું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે હતું કરે હતું કર્યું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે હતું કરે હતું કર્યું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે હતું કરે હતું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે કર્યું કરે હતું કરે હતું કરે કરે કર્યું કર્

do Los signifores to Start Illorestep

مان والمراحث الأعلى بين ني تهركونا ويطوع المهام الموقع في الموقع ويقى والموقع في الموقع في المو

ر المستحدد المستحد المستحدد ا

المنظمة المنظ

ا تعدال حراس مراس المراق المواد المدار المواد المو

رہ و آپ ایستام ہے کیروں مدعولیا میں کے اس نے دار ان الا الدیا کیر پر علاق صوحب کا قوج قاس میں ہے توجیا ان زادی سے مغن کہ سمن کر گھر کیا گئے تھے ، اس در سے دائل ہے اور الاک ان برڈیا وہ کاریکا کار دی کہ زاری مندہ کاس مشرف کا کوئی شاہلی میا جارہ ان کا جوش کا احداث ساتھ

کام ڈیٹنٹ کو کی میں ڈائل دی۔ ایک دی مودی صاحب ڈاز پڑھ دہے تنے معرّست نے ان کا زاچھراں

المراقع المادي المواقع المستقدات المواقع المستقدات المواقع ال

والمناصب من المنظمة عن سيد تلك. الأسمالي الأسمالي الأساس من المنظمة ا المنظمة المنظمة

ية ؟ تدريد في من المريد الم

بیکنینی: آنها ترجی از گیرا درباکد: " مولان حدید سد یک ایر کاشن از شداد ایربیزی آن شیخ کاری کی خدید در در ام جود منت برای تخطیع کردهای حاصر سیدنیاز اگر کی رنگ میش در میرسدی کاشنی و دانشش می تمامی کا ایر شیخ کاری کاشند شیخ کاری وازد مربر درگ به امیسی کسیاری کیشند. وازامیش ندخی واژه اشاد

لشیورکی واژگر کامرای صاحب کے پائی بیشا درا۔ گرام وزاسب سے زیادہ کے پکا کہ مثاثا تھا۔ متلادات والویدادکا کل اورائی آئی مسئل کارورکی جیست ان گرامی کے کھیسکٹرا توجیل ان اورائی آئی ایس کارورکی اسم عمر کے دارک ملی بولگ کے ایس بیگٹر کومی ان کے انسان کام کومیان کے دارک ملی ملی کے اورائی کھی اورائی

گوم وال کا اور پرے می کا کا وی کیا گا الله وه کا سے وہ کا مال چا ہو جی کا دوم پر کا کی کا چروی کا بھا الد کا بروا ا کا چاری ان خدم میں ارسال کا کا ج

ب ارسي و با با محاء ان کے ساتھ بروا یا تا ابن ايک خوند نے کند دھر مربری مس کا منگشت کے ملائٹ آ آئ تقا ، مرب سے نواع مرجان ان کے گائے پر مثنی حیق م مرزان حاصیہ : آپ کو آر میر جائ کا دارور ان کلا ہے وقع میں کا و جن کے آر میر جائ کا دارور ان کلا ہے

ا بريان کا دا ذا و به شخوا اداره بهادی واز کليده الله تدب به يک عالم در التي يا وارس محتل جوان مهای در بادی مردن به يا به يا به در بري موردن به يا پرايان تقر چي به داده انگري انتخار بيد، انتخار بيد انتخار بيد انتخار بيد انتخار بيد انتخار بيد يا بريان ميد انتخار بيد انتخار

برا اما قد چریدا درگین وک واک واک به قدیا ت <u>منبع ۱</u> «اید از در سرخههای ای ویشاید» اگور از این کمای <mark>تیجه. در از در مهم در برای تیجه که در این بیان کاشت. در واز «این دیکه این میک کرند را کرد شده میام. در واز «این که کرد کرد وی دیک تی دیک تی این که کرند کرد کرد کرد کرد کرد.</mark>

آبوڈ ۔ " ادوان کا امال کیسے یہ " <u>روی</u> - " وہ وکٹ بھی صاحب پر برق ہی ۔" ابراڈ رائدی جم صاحب پر برق ہی ۔" ویس کے اپ میٹن کا تھا ۔ ہم کاوی دون گارتے ہی آپ زیمیس ویس کیا تا ہا ۔ " اموان ڈ " بچر کی تا دیسٹ میں کار فاول گا :"

اس مودن کی مودن کی است را می است را

نظر تیاست که آیا تھا اور نگ اور جار زی طوارت کافیات... میمورد گیران و پرکی اداکا با تھا : " اموارد آماد و دگیا آیا ہے نیز کا دیکا تھا ، " معرف و دومل کے دیا تھا کہ ان آیا ہی تیاس کر لیے : " اموارد - وادامل میں آیا ہے کہ ان کیا کا وہ دوج کے تی . دکھا – طرا اس اس آیا ہے کہ ان کیا کا وہ دوج کے تی .

امراد - قراجا اب مقرار ورداق من دے وری مرکز شت کوال

يموا - شاق ك العاش بمر بالنبع - أب ابنا تقد كية. اولا و الحيث ووري وفي والي اليل . ع مع الدي الواد الك كال الواد العام الواد الماس كالري المالي الم كالم يك أس لك ما على الما يك الما والله من ما مد الا عداما كما الم تحديدوت عراض عراف على عراك الكروع اوريم بل ال

ایر مان کے اس کی جیزی کے کرے اور مراس می کے مال اور جال ماؤ. قا فرعانات ميره ومقعاً كال وحظ إلى -1015年かとのからして-19 المودد. كا إلى المرم وذاك ويكما ويكل يك يك يوس برل في

المروية على بر الحرورات برائي. وار ويرمامام ويند الناية على عب اللهااب في - おもつくんしいはくい امراد -خدائے ال سے آھ کی۔ آری یا جگر إل افوان کا ترمیس

مِنْ لِسَنْ وَالْمُورِثُ عَمَا وَهُو صاحب لِي كما — افران كما ذكا الله عَلَى عَلَى اللهِ عَلَى الله وشي - اورود مي الايكا در كي در كي دول.

الماقداب الكاذكرنيك ايما . كا كات بوليل و. -6-54-30

رم المراق المراق المراق المراج والمراق المراق المرا is and other than 8843886 SS UNSLES

الراؤ- إن كو شركاي - مرفاصاحب - حتيى ول في كو آيران · とりばりしてどとうとしの 8 Z 14 15 - 1 - 100

. 15 - SU - 15 - Wh a dylinedy ~

امراء ، اعلى اب طبعت كودد كر رجا ثال أقر كلي . فقد اس 2424113

- Koch - 10 المادُ . مذاق مع جمع معات د يك . س ابدنع مشده في 2 إس كم

يام الله الم منسويا و الله الا - والله . امراؤ مال كما تقركما عند الاؤتسام -

دیک کومشد ادا ان ک الدو في ك كستها د أني يموا را الثا والأر طبعت دوول برب كول رج والإثاب 2 = 25 = dfil امراد - ميرب 2 17 x 1/8/3/13 -جى سے يہ تركوبر يا دا ق

رُموا - اوا و مكا كاخر تكالاك ودركما بين فرب illicated a

مجروي راه دار ياد آلا امرادُ- اعلیٰ کنای کھے تیرک اکا وب کارے وراحاوب

ويسير طفون كرونكث - يم ك كبر ب بيزياد ألَّ مروي ديو دي إد ال

دُموا - قامسہ امراد - س روسش ومش وطير با د آن وخت وحلت كالبرياء أن الموار يا مي مطلع مرا ميس ع الماقة الموافق بم كاميت المنب سالنكوم

محان اس الذاوا في أموا - بي قركتا بول- كالجيعت أناع وت دريع اللها وخرس يلية اوديم إن منته وسرانا طروع كية . سے ہواہی اربی گلزا رہی خراب بی ہ یه سب بی بو جرا کا ساده شارسی بر

الإقد واه وكاماحب أب غ قول كوره كروا يو كدم رابطية الاطعالة يرس والمالكة المعادية مى كى العادات بيس كان جى كا بال مددى سے . ال وأب با وأيا- بوالتُذكاتُ راب وحد من الله وي المري تحدد ک وقت الله عد الاب المدهروسي اللي يوق - وقارام كو المديد color to St. of Buck places of B J. L. L de Us وْمِلاك كُوْ كَا تُدْمِيد لَ يَحْدِي دُور دُور عادِ دُار دُول عادِ الله اللي عِلْ أَيْ ميس بين عدد الأكر وفي مل عديد تعرب مات دورات الانكاف ك مجت دى - قام في حديد ول كول كريف تقريد كري - ال ا الماك المروب مير الأفائر كا الوق لاك تق . و ي ي ديري الم تنا . فا سياس

ماميدي الأداد كافار عدة الا تان يكر الدرة باعقا. ميت كالوى فاسد ووه ها المام غطا بال كر والمول على ال ر مادر عیش و قرف محدوث مراد مدید اب ماعب کرای تھے かりからからいしししいはいからなんのとません . EZ-6 سے ہرچاری کی ایپ بین کا کھی نہیں باز آگیں گے دو دراج چاکے بغیر " اور چنے ہا۔ سے معروں کے ترکے تفاض کا اوس ہے

* میزوں کھے عمر کے تکافیے کا وصید جمدوں کے یہ دخت کا دورک بھیر * بیرا - دیری بمی خزل ای طرع بی کی گھؤٹانے کیا جوڈ مرت عبد ما تھا د

دل علایہ اوری پر منطق چر رشایت کی فوب کہتے : وی اس موسال کا بیان عمر بولمد تا بین کا گرا چر بیرون کا دیس موسال میں اور ایک افزار اوری شرف کا دریات کی اس میں اسٹ کی تحصیل نے فاق اطلاق

برا اوراست. روا - محمد او او دیگر بیشته میشود که میشتنده می ایسا که دو مورود به داد و او او داد بیشته میشود می مورود که دو او برای میشود بیشتری دو داد کی مرادم خوبایش آن آن آن ایسا چیست روان بیشتری و داد برای میشود و ادام گروستان میشود این بیشتری و داری و دام یک آن بیشتری این و ایسان کا می

المسائلة المسائلة والمسائلة المسائلة المسائلة المسائلة المسائلة المسائلة المسائلة المسائلة المسائلة المسائلة ا المسائلة المسائلة

ك مديدة برقيق المساق المواقع ا مع بسيد مع المواقع ال

こったっといとうさいといういいいいいいいいいいいいいいいいいいいいいいいん

ري کا آي کيوب هاري لاها ت برت عدد اوالي ايم قرم من چايند . اي کا ميار دهند تا تحداد کا اوس باکا به ايم کپ ک در کون تا

ربه کورد. روین - ۴ جدره بی از آپ میخد خدن با قول سے میرا وقت رضافتاً کیانه مراقع ۴ میران کار آب از کیسیا و پیکند گانا! رسیا و ۴ در اساله کلیوری از

مرزة من " مسرم باكر كورد المدين الموجود الما تين كرده مستقلقا كيد يغر " وي المراكز المرفق المراكز المر

<u> این - در آورد کار بات</u> و کار آن و و کار آن کار آن او آن و کار آن او آن و کار آن <u>این در این ساز خوارد</u> در مین - منزود کار کار دار از گزارش می در گزار در کار از کار کار در گزارد کار از کار آن کار و

وراق الرائع كالمارات من والمواقع المواقع المو

ميت ." امراق و" انجدا يك والدائم اورائي وولك اللي الدائك العوادراويّا .

والعلمية المنافقية من من الموراة بصد قبل أول بولاً بالدامية المنافقية ال

ره با در الانتخاب حدث هر الدول المتاركة المثاني متوادد المتاركة ا

معتصده دادها می ایر این و دو این بید بیان بید با دارده ای بازدی امد موسی ای اگیا میران اعتبار کا خطره دارد که ۴ تا میران با میران با میران از میران دادهای در سال میران از میران ا میران این که دارد : ایران که دادگان و سب با کسانید می تحتیال بازی

در این به ای این به ا

معالد عن كل يرج فلاه يك تام كارى فاريس تنا ع العرك يور

دايدا وي دوكلي الى تول مكا كالفائد وقت الدوياع دك داما كا تفاء

د برای در هماندی که در پیزان اطاق با ده گذر به سهای ها کری بدید (20 می از داده کا می این برای در این داده کا می در ایس ای این در ایس ای ها داده این این کا می این برای می در بری می می در این می در این می در این این در این این در این این در این می در می می می این می در این می

الدولت وادر على والدر ال

- 10 1 it all

د از هر ایس داند. داند از داند با می این برای برای این این برای در این برای این برای در برای برای در برای در م برای برای در برای در این برای در این در این برای در در این برای در این در این برای در این در

يشيخ مي آيدا کافق (الفاق الراده کار داند که بي بداند بي و ال اداره ما دور اي استان مي الوکس را دور اداره مي دور به دور به دور به دور به دور به دور ايداد بي اداره بيداد الله بيداد الله بي المدارسة بيداد الله بيداد الله

المراح المستاح المستح المستاح المستاح المستاح المستحدد المستحدد المستحدد المستحدد الم

مِنْ صاحب، أب مجريطة بْنُ كُوكْم مِنْ الصِيرة تشدادرا ل طالع يى

س ایک ان طرود دل براچا کرے آی پاپس کیشت مسیان نے کار کیا گئے بعات کے دل جی کھی انسان برجها آن بوق ہے را آن کی وجار دیوو دھا ر

برات بروی ماه این می مطابع اور دارد برای با می مود اور دهار برسره این بیمل با این مید از براه ای در برای با می مود کا که این می مود کا که این می مود کا که این می مود کا کا برگیاری این برای دارد با این مود که با می میرود می می می مود کا که

دو کوران کارتی که در سه تراسی ندگی ندگی آن داد وید. این کنید از سه ترید - ایک تری برن کارش با تری کارفوای این این آنها آنیددی بود کران این این متوجه به سال به کار این به سال به بیستانی می کران این این متوجه به سال به کارش کارش کارش کارتی کارتی کارتی این این متوجه کارتی کارتی

منوع بواکسیدگی نده اندین برا از نیخ یاد بری تکمی بزدگی مدیدگی در بیرای شکسد منواد از ایرای شروعی بردی مین که برد که اموالید بردی دو که به سیست با بد خان مربعی تعدید شیشی میرساز مین ایران برد بردی میران شکسساندی برای میش بردید

يوسية كان يزون أوبوق بن مي تقسيسانه مي چي بيل بيل بيل بيل مديد به يه پرچ كه تشك هذا الريشيان عوم و تا يرتان . معلى ساز ميش كين كان معلم الله به تا كولن يشكل به

مولاً . فيراب والحية والمائية عندائية : الالك الدول الإلك الدولة المثان كالداكس إليه جيد الجديا والكابت قريب الميادائين الحياب . وعل - كال والمركات الحاكة الداكة الدولة الكري ل الكيم الدائين

أب مي الخلاسة عن الأكافئ في يستدئ كا في يق أ- أو أيس أي أ يعلن الأ. التعالى في مستويات وكمد مس والعدود لك صابخ است المسائل على يقتط في المقال على المستويات على المرافق الزون للمصادريت الكيامة العالى التعالى المسائل على المواقع التعالى المسائلة على المسائلة على المسائلة ال

در الاستطارية الله در سهم الاستفرادي الأرس كانتظامية الله والتركية المستفرات المستفرات المستفرات المستفرات الم يعود أوج مشتر أي برعث المراجع المستفرات المس

هر سند ناهد آن ای اوارد و تیم بخش بر با نجدی پیشان در باید و به میران بر ای بر ای بیدی بیشان در به در بیران بر منابع ایران شد خدم بر باید با بیران بیان این ایران بر ساخ به بیران بی بیران بیران بید بر ایران بیران بیر

ر مواقع المراقع في المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المواقع المراقع المراقع المواقع المراقع المراقع الم المراقع المواقع المراقع المرا

ره بر عدد به المؤلفات المنافعة المنافع

・ かっとんいっていいかところんからいか اجراف لاكرال يعرفي على ويول الشاك التصدوم والمدامك وتباغ Jestilist youther in a seasion etterson the fellen one of the rail is hidely works ع يل الان عالى . ين وع يز ودن دو يلاك كى . كار برى دوان امير جان كالبدولت تقيل و فررشد بالسيمان بروان وي تكيل بسر المذ ك كوفا الله وتعاليت واسفاري عداكس وبدر عليس وادرول لا وكركها والمعاجر ا کا صفی دکسی کی میں بدو علی رجای دی تغییں ۔ رجامب کا کی ا تَعَادِه احْيِن بِرَى لا تَعَا . هم درت وا دي ان تخط ركس بي بنك تقا ، اعيون عيون عزب أنك تع . كان شيئه ألو تراع . فالمرك موات مار كمنه رويك أناها had and and and the will the month کی شید کھیلی مونانعید میں ارون دات میس دی گئی کا ی دو がりかんにんらしいのいかいんしきこれがあるか بولا زمن والمت شريط مي الت ركانه صاحب ك الدر الثالال بي

ظام كالما تذكف نفي كرم فازوا وي تقيس افر كارو الاان الناسب لا وأوا والمناطرة والفرك وقل الكيدون والدفاذ ما مب كيال يص ويقت وفد شدوال فيزوه مست بنائ ميونيس كونك إبار عدما عب كانتادى برأى عداد و فرمور عد خانيان ال لها الما و المارية المناس معلى المارية الماري المناس المارية المارية Lillating しいいのからからいるいはいないないでんし يى مرواك كافى بى جائى بىلى سائلة بملك مال بالى غاتادى على ال willight 2025240 do Jorge V& 1 Word of 500- June 4-10 5 de Logar Estas

تحقر اب الدي كاني واصفر ز تفا الركود الدي كافرى وشرقي مع وثا كان

· UKE مرزا فرحست النُّديكِ

فرحت الذيك لافن إيك باسي عين برا ومت الأ ا ياد عاد بها كان يختر بي مرد ا فرصت الذيك الم يحي لكسفا على الكسب مع الله الذيك المرادة للكرادك عدوى والداراع الميت dienul-のきこれをかとかり-これをかんだけ This chill esection will chilled on ことからのはくいからこうかっこうかんだけいいける فانعى مزمومضا يحدك كالمعدائيل فيادل باسط وكانتم المدارات فوالمست الالانت لا على بالمال المالية وكالمالية في الحاق الله المناك عالى المراد المراد المناسعة المراد ال وللديك كينسطف عند أي فيال بعد الدين الدين كري من المتيان الم ور بنال يول الدين العام في الدين الماء العرف المرف الماد كا ا يك المام المعلى معالى مع الدال ك الماس (الك المال ك والك الما الما الما من من المدوا تورد كا . "المرا و الواسل كا ووادك من عليا كا more constituted and of the He carrotto estor Little acol المد و الما المدين المديد المان الله ديدان مي ك سموت الإ كالالا مروي والديد يوسي كم وريد الم المعدد ورود الدياد كام ور ي و دوم يا من سر يكون كال يو ويدياس الدين من وي مودر سابوادون تف فرنائش كا دارنس و في فيند ديا ده المعين وروع على المارة الله المرد على المديرة الدوري والمارون فعن لا د برسيان ال داويدة بالمسكول 10 كرويدي

الع والد ووادم وكالمام المن المديد فالمود عرب الله هیمن اول گریوون میرز کمرنے میں مجد سے برا برشار یا . خانر الد برامینی ال كالمعت على المعلمة الله من المالة لل المالة المراكم والكعاد في الكالكا بع أمل وإلى على دوب بي يروس براي

アンシュのかいというがんのいるこのはい معت نٹرون کا قاعدہ ہے کہ ایک زیکسی بنا بنا رکتی ہی ایے تمنی المون المادة والمراج والمراج والمراج والمراج والمراح والمراج و مديد لا تعروقا عددى عن الالك د ك كابات لا يدى فرقبىك بى ع بى غربر مرح والمرة ك در ي ما يد اصدا 15. J. L. + 2000 きゅんはといる人はこんはこん مدنا کے عالم عامل معلی کے باتے ہی دوست اثناؤں سے دُود لان . تع مك و كار ميس شي . كو يه كان اليا تساد عي مسي فار الريش كيديد يو المراس مندك تي من جال يا وتادى يو ، تاع or or the con of I year to come the contraction いいかっていれんなからなからこのあっているいといいんとんかん ところうらばしてよりとうとうころはらいのかしている مراد و المراد و المرا عَكَت الْكُسى وَسِن امِرِت فَاقَات بِرُّنَّ اللهِ كَا عِدلت ال كِللنستة بت عامل بوالم - ارمود باع بن كوال كو با عدادم نا يال will of the contract of the XVex Love

يون بنين معلومات عير يحرائي بول السال كالمائد وقت عدا الح بالدي دو توبيد عي المال وعلى المالية تافين الا صدية دية م - الألا عدل كراد ول - عارت كسف 生火きのかしいく、かこしるこうでいといきできんん ين و توفيع الايك طرف فو و لا تكرر وبالا و تباس بروقت يرفون الكرتباب.

جى ولى يرتبي برتا جى يا تا ب كاتام جراحكان بوق باقى جكن بلت アングングロックしいかからなられるいかのかんという ل گرف و ع دام كر إدى كسات كسات فلي تكليد و يى دفت الاس مى بين عيا لك الله ملتي عاصيد وواست مح . او دلكي ادف حيد واصل في مند قد مادری کیس می وشده دخی - در از می تافیده کاس می مرك بون عرب كومشن مراة 10 كار مد والدماس قل الله 上がしとしかとなったいいいっといったがくいばん 505654262631260 10 412 62 61.8 وعيد وما عد العديد على المداكس بدي الرواع عدمان الع الأركة بصريوا - والكاس كاحدا قت نا مريح ال أيا ما ساكا ما الدي Lungaria かこいができ、老の人といけしておいて

والديك وعدود والديالية كالماعية عدى عالما الله عده كولها في المناكريد بالدي للكراري في المراح في الله يعلى بين المراد الله على المعالم والما المعالم ودمرى فالمعاد ودوا زول في المعقد فق والا يا الاخترام او المريب ووال Hope was intended it is the fire die in por كالراد والم الم عاد الماهيري و سال يراعل دويا كاب الكاكاد و كالد いいいしょうしょうかいかんかんかんかんないといいという عُلِدُ كُونَ وَلَات بِعِنْ وقت إيساج الوقيمي عبراك أرجَى بياه بواقية الوديرى زياده توست وامنت كالخبر كوركي البعل وقت والدوالدوك عظران المناق انست وكا كرد يكن من والدل ول القد يلي كان الله والمن أو ياسا عن . فلاذا のからいことのおといいよういといいかいはんかんはかと اكان كيفيها بالبيدا الإبهريون في ميك سل ماذي وكان الا لكن عير على احتياطا الح بها ذك لي الا على والدائري قبل برما ذل ق のからしんかんなさといれてかんかってんめいいろい こらこれといるとういいかとりがらとりがいいいい

مرديا يدكه مراسال ماتوه يل غ الله تعدّرا ووتدير يديك عيوال يكو وساك الاستار و يا كريال المالم على مال مال يكور المالي المالي المالي المالي المالي المالي المالي المالية كاسداقي و الدارة الداري و ودر عرو الى الف عرو فيد ودهار واتمان مي كي نزيك منين برت من معنري كمذ محيد . الل يع ذوندامت عرف كرا جل " ا هاوفي " صراد ايدوا ران اسكان ك اصطلاع ي ده دو ع المحمر عدي أن يك واحتاران لات المقالة في كاب ين الله ورول الدير والعارض وقد على تقريب كالمال ادفيه protection of the color sent Stille News

الاستدسيدال الدوائي مل مل موالا عدد دومرى كن دومري من من موال مند موال

كالكفاكي ودعاشا كالمؤني في والديسي كل كنازي من وْمِتْ اللَّهُ يَكُ كِيمَانِ مِوْمًا وَكِنْ أَمْ كُنِّي بِنُسِ عَلْبَ وَالكِيمَانِينَ これといいまることのかないりゃんできかっていはいしょくらいと يان يود إلى المراحة المنظمة والمنطقة والمنطقة المنظمة المنطقة يرمني فورتنفيل كاوق راين اي مطافت لاسا تدنيس جواثق والناك الماقدية لبيت الن كريكين بالى معتمران كريج مي وه والماعدة أن بع اللف しゅうけんいいいいいいとうといめられかいしんかい فقر بھی الرائب و محمد واول كے الا الريكت ب . dierologo of outlossoul is in copies

مع قطع تقوير في على حلى لهاد أود مما وراست المحيف إلى دو با كاب ود الله الناء اخالاً او الحادث إلى حارث إلى التي بي ولي كي ول عرف لفتكري استول كرت ين ليكن مرن ماصب ابني سرية تخلف الين مفتحان المعجارة بمن الالتان في كالكافرة بن بريايًا بومكاله لا يداعف بداير ما كنت . روا أن اخا وك والبورت أف ت مغيل ودخيال كادت وكريا ل بر ناغ مت انذ بگساک خوانت بی ر اب مراك كادر شروا كاق مقايين كروند اقتاما ويديش كريتين.

يم اور بمارا المتحال

بناب يُريز ما حب اسلام عليم- ذوك مرحم مزا كمي بي رس

اعظم تركام فيوري المداعة بن كالادراء عدالادد جعن الساك ولياسك اركيب وكود عظية بين اوراهيش روالي ميلوكو ريك بي Experie Liguin de de nume de selfige عددددمر عدك ليدولزي الأدور فال كودوها جول عاي الخريد といいれるにないのかいいいはないというこん いにしいん من من خالس كا تصده برك - اوراس كى الخاصت كيماعترى دما وبناوه ٧ لاترا يخربولا.

اب يە دولىن د غار دولانى كى ئىد ئىتىلىكى ، دولان كى كى يەج یں جانے دیکے جوافی ماحب اپنے رمال کا فیاد کو بست لای کھٹے ہی

تعويركا ليكسأخ

100 ばるばらをあるがいがり からかきしてノングラグ دِقَامَ بَدِ بِفُل مَا عِلْ مِلْ كِي مِن كَابِقُ و بِمُلْ لَاللَّهِ اللَّهِ اللَّلَّا اللَّهِ اللَّهِ اللَّا اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ الللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِي اخراق والماكار الب موي مري فيل إلى الدال مالكاب بديد والتده ملامي ويدينه والتول اورم جاحة ل وكفتا جدار ع ل علامة ال こいかかいかといいいいけいべんかというときによういん الى كى كال أل عنى - يعد الله ويا حال كا درية برياز يك تفادر درب ことのかいともってといいといいというといといる こびのできるいいとはればればいるがあらられいいい ي يوميد الموافق المسابقة الموافق المعادمة الموافق المصافحة المدافق الموافق الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة الموافقة المصافحة الموافقة الموافقة

کی بردیگر کارستان و دو حالی که فاضع فران برمک را در به برگ فران ما که این مراح از می فران و کار این که این از م متوانه بین بدوری می از می این این بردی این به بردی با در این این بردی این با در این

المراكب المساورة المساورة المداكب المساورة المس

المري والمار معدوا والدين والمتعادي المراق

on in Lodden toda potoso storthe

ભૂત મુખ્ય અને પ્રતિ કેટ્રી પ્રાંત કર્યાં કર્યું કરે તે માત્ર કર્યાં કર્યાં કરે તે માત્ર કર્યાં કર્યાં કર્યાં ક માત્ર કર્યાં કર્યા કર્યાં કર્યા કર્યાં કર્યા કર્યાં કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા

المساوية بالمساوية المساوية المساوية في المساوية والمساوية والمساوية المساوية المساوية المساوية والمساوية المساوية المس

اديات كروع الالكاء وادروا التروي والمناس

A girl for the grant of man hand with the grant of the gr

Luthalkattundin minnet der ten

table bot in the with reads of bothe

ં (April 2004 માટે આ પ્રેમિક્ટ માં મારે આ પણ તે કહી. મોટે કર્યું કહ્યું કહ્યું

and program with a first of the control of the cont

 که ای عربیت بردند به ۱۰۱ شده ماس کهمیندند من میشد بسته موتید که استن ام بست به میدی بری بست انگر فرای «دولها فرا افزاری که با شنمی به میدان این می از میدان می «اکاره نشک بد وای جدّی بر داد به بردند کار کلست دن شاه ۱۶ خیر به بردند کار داشت در شای کهرگذشت و که به میران یک در شای کهرگذشت و که به میران یک در شای کهرگذشت

ەمجە يىسىدالكەنەست ۋائا تصورىكا دومرائىڅ

به القد الرب احتراس بارنيخ في ارزوان به احتجاب كالمقال المقاللة القد المنظمة المتحاللة القد المنظمة المتحاللة المنظمة المنظمة

and the bold his life of the distribution of t

The second secon

मा जिल्लाहर्

يديراك أيا تقاريد وكادورك كريا كياك يجمام كافعاب ابراكمل OF JETALIST TON ECONOMISTS كى ديا وا كالحاك يكان الله كا ندوب جو تمادك تاغد والماسوم بو older of 85 Vor to of Cais enchangeland دول على على عاجد ف كماك منهي والما مراز منى . الرائع دويروال كدف = ان كارة إلى روك يتري كالشكرم اوكرواد اكد ووكر اجالية تبار الرصيب مندا تسري المراعة في وسد رقم عام ف والأل الاقت را ي كروم الد ما کا دور قرارے ای احمال سے کھی جی سکد کھی ریوں کے اوران سے م بھی کدد تاکر جھاتی م کا دور بادی د واکیا بھی ال د کھیا دے وال سے رت و م とうかけるがいなんしんりんしょういとれるのがはいる ل يورون في ميام بن الله ديدو عار في الاور عاد ي معوم کے دیا ہے توال جو کر دھا تھے گی روز انشاد اللہ ما دے صوبالا دی ووٹا ووز ي عيد بولا ري الله ي الله عن الله عن الله والله ما مريز و الله الله والله و ما مريز وميز كا ことかいいかいはいかかんしいかんしんどうかのかけいしい المان نے كا مان الله الله الله والى بروائى كے مال تروا الحراص سے الله ي The is a second of the second عِنْ تَصِيل عدد مِنيد وعاش ولكن ما ق منى راى عرب معرب الارت مركبا راد: يره عن كالبرجب محمد وها كم إلى الله وشات أو والا كالم ووقات إوآ تَعْ يَرِي تَحْدِل سَ آلَوْ جَارَى مِ كُنْ . لَوَالِنا الكَانَاتُ مَنْ - ال خصيب ميرى والت وتعيى فيلف كيس وإل شاوين وهاا وقت ويفاور بيب

الله ينس و يعلي الله وها كرفها الرك كما يا مروال ما رسيداري مرك ال

م به الإنهائي كالأحد عيماً على يعمل به يا يترجه ؛ وي كال معت يمد يها كول المعتدي من يراوي المطابعة المستعدد ا المعتدي المعتمدة المستعدد المعتدية المستعدد المعتدية المعتدية المعتدية المعتدية المعتدية المعتدية المعتدية الم العربية المعتمدة المعتادية المعتدية در المساولات ال

the weight like your management workshopping the property of the control of the c

المن المنظم الم

در کار تو کار افزانگا که میزان کارد همای سرد کو به بازی به نشدگارد بستاند. کارد بر که در ایند می چیز به افزان که میکندد و بینده کارد کارگذارد و بینده کارد کارگذارد. وی که خوارد بدخانه کارای با سرک را که در این به میکند سرک میکند سرک میکند. وی که خواری بدورد و فرانس و در امیری بیدا میراندگاری برد این باشدی برد برد میکند سیکند. کار بی وی کارک را در و فرانس و در امیری بیدا میراندگاری برد این استان میکند کارد و در امیری کارد کارد و در امیری کارد

ملائل جری بیل دالی کا ایک مشاعره

دان مریش مایش ساخ بر

۲ با با درام ایست برنسداد جولهات روم انسانه یک مشرخول شیسی نیادی مشربهای کست

يدكى بيران الأياب الإنزادي عدداخ ميارا الجندية بيان الدينة بالكوال الميطوع للطول عدد منها الميطوع الميطوع الدي كما وهذا في العدد المستقل المواقع الميان الميطوع الميان الميطوع الميان الميطوع الميان الميطوع الميان بالميطوع ا والانتقال الميان الميان

جسيده في احداد شده المدان بواق به العاب فواد و بدواج المدي بدالله المدينة الم

عرضائوں فرق آی۔ ہو جو روا ماں بری میسان کا جراف کیم روا کا رک دیا۔ سے عالی سے انوا مد وقت بری پر کسٹس ہو کا ہے

المراكبة المعادلة المنظمة الم

પ્રાયમિક પ્રાપ્તિ કર્યા કર્યું હતી કર્યાં કર્યા કરમા કર્યા કર્યા કરમા કર્યા ક

سه ای لناد مرسد دولت و به کالی این به واقعی و بالی برای که باری می انتخاب و برای برای برای برای می است. و برای می از است. و برای و برای

كالم والما عدي بالنادوية بن عديد

مداده دوست که حک این شده گزاش بی اصفه نامید به است به این به نام و آن است به است به این به نام و آن است به این به نام و آن است به این به نام و آن است به این به این می موسیدی می داد. می است به این می موسیدی می داد. است به این می موسیدی می داد. این به این می موسیدی می داد. این می داد.

رکن ما سب آنگریداد دکیا ادر آمیدنی واقع این کامی کرکند که ادیده کارا به بیشه مین کیریشن کارکن باشانته کامیز کانتخد با میراند بیراند بر بیراند بر بیراند و بیرانده و بیدارد عرضت وال مساحده میرانده بیرانده بیراند بیرانده بیرانده بیرانده بیرانده بیراند بیراند بیرانده بیراند بیرانده بیرانده بیراند بیر

「これにははいののがこのとというからいん」

المساوية ال

مرزافروت الذبيك

میں ہوس کے نظام اور کیا کی ماہ مردا کو جینا مزاکیا

يراكم كم ادين ب ين بال بت كالبيف والين و تصر والد عاكان يكاف ألك تعرب واقع ب اوريفان الوائد وي الريا على الم is in it is it would with a Size is the eng. يسا كالان كال كال كال يوك جانداد طبط بوكي جيرك والمصاحب توايك مري ما ميط در الله الأكرك أل وي مب مبد فره بايد الدر كم عنى というとうないというからいりからいいんがまるかんとうこう كسير دوق لامها ماكو فنط مرسه والدمرى الدي موم بعدا قصعمت إلى ا وجهاده كالم يترجد ويراكي يتداك كوارات ي الالانوي ال عيدالقط مكدون مدايرا مرك تعلوانيس دوفال بزركال كرا عقول برقى اسكن برين فيد عده ورفا ذا في ميكودل في ولا يت جردوا . اي زاء ي ولى LPSY & 628 A DE UNLY BERNYOU ين الله مرى على الله من المريدي على بالديث عيدة ولي عن الله مري على الله 1. Pande alany is it is ale day & this はんしかがらかりからからからいらればいていてんとはいっている كالكافئ على بس يكى التفله مال كي عرف والعثال يوك ، موديست د تلق مي مع رجا ادرال فرى يمدل في كالمروى منطب محالى مكن يرود زار ينس شاكا في といいましまからからかんいれんいしいといいかんと よっくないはんしんがっとまることかんしいるいんしまれた

الله يرال عرف كالتورك إلى كذي جاء ي مكن مين ميراميا بالبيشا منا بعا.

ک رود کارورد که به بیشته که در کار این این که اند سکان این این این که می می این این این می به بیشته که در این این می بیشته بی

در المنظمة ال

د کلمک شیابی بیماری بین در شنیدت نید از بری آن از مین مین می به بری ند کی بین و دادن کشیری که امکان است بر ایم که به مین میدان این این این میرود این بین می املید به از میرود این بیری می املید به بیری ند و انتها مین مین مینی املید این این این میرود می املید به میرود این میرود این میرود این میرود این میرود این میرود این می میرود میرود این املید بین میرود این میرود

ال تصفر من بينته يكس بيرا في جائد آن فينا من المشاهدة من المدينة المستواه من المدينة المدينة المدينة المدينة ا المدينة والمعالمة المستواري المدينة الم يعمل المدينة المدينة في مدينة المدينة في مدينة المدينة الم

کرد " تیجینزه بادل ده شده ام بخصد و منتازقالب دیده ام پانفرنگشیدند ان آرایجه و باده ص کی مکان متارقر میرے ,

مرستة إلى عن ماه بالناسة بين المادش الموضى أرخ أوقي . المجل فيالى بين ابريامية طوط أن المحاسسة المحاسسة المداري المحاسسة بين المحاسسة بين المحاسسة بين المحاسسة بين المحاسسة بين الإن المحاسسة بين المح

در المواقعة المواقعة

المراسعة المواقع من الدوري الأسرية المواقع المرابعة المر

يرامان كاريث برادى وى دارا و الا عرماكم وكى المامات الما الد

وباد كالصافي بعاديما تهم راعضا يرافتن واستارا والحداظاري

المارية والكوارا والمارات المدعقد والمناكرة

تناسب ومرق والله أكور عدم ويكن لاعت ديرة على الله المناكان

در الرائعة المساولة المناطقة المناطقة المساولة المساولة المناطقة المساولة المناطقة المساولة المناطقة المناطقة

مائٹران مائان ہے جی ہی تہرہ سانے بڑا چرق سے ادرج قریبی بواس بڑے والان دروالان مکا ق خور کرانٹر ہراست سے مرج زے دارے جھے۔

A STATE OF THE STA

ما سينكل تشيخ المسايط ألى بي منيد يوكا برق الأفل محل جره ال

ى كو الكسادة ، الكون على إلى الله على مرع إذن المستقيلات

シャンシャンいの トレインナルリンクランシーモニスン

المرك ادراد معامد عدال المد كالرايد يك الدول المالا

الى ئىيدۇرورا ئىنى ئىلى بالىدا غراجى كادىدانىك كى بايرۇنىك دىلان قارىك 11月二十月300日からはかんけんいかいんとうちゃんかい ودايد من البيادة بي تقيق ركيس فنا الخامستد الردوليت المطياق بوش آوخا かしかいはくないなりにうこれとがんびか كي المادي ودوق في المديد المادي ورواديد ويلا عدوه ووالاري كالدرّ باند عالاد مر أو دارا ارفطاع المعدد الماكات المناويد الموادي مناديد المواد الماكان الناعلمام بالبني لاطنى بوبلاغ المان قهصير لامتمانا نونس ي المراف ك الما المرابك وست و ي القرار المرابي والم المطاعين مشاع والمدارات م فاب زي العام والماست أريد دم

ال يعطولها لو تجيم اليمان ب يأواه براء فران ادوم الشياد ب مرز الشاور موسى قال دوانهاك عدل رب الدوادي الدين كردون كا . فدا ف Uzzzychuzcidensti 12 + dop cahrille والان على و كالمورات المركز وقت برافع ركز عيلس ورادد والمؤل أل بنس كتي . إلى من الإ وكوائية بكر بحج ودن كا الدواف الله في الله في الله executions and of chief street los ك عرب الماسية محلوبا - ياي جري دي عين كراندي وان أل العرائي المراب المراب المراب والمناب والماد المراب المراب かいことはこれないのかでいることのかんかられます。 منفق لا جن يوجى معلى معلى عن فول يوسط كدف عليه يده ، وإناه ك

در بادو روس غام من كار بردار الدرائا ، فرايا بدروي موركد وو مين الصاب يا خلدات من بركي الله يا تخسيد الدوك إلى إلى الك دارى مرابيت انظام بوسكة عد الكرى كاس جوال يضيل . وم عي هذا ير بات لا - الياب فواماند من فيام دولت والله وال かんしきがんなからからいかいからいからからからから محق تقا كريرمب كيا دحوا اني كاست دور كمال مي اوركمال يرفلوت لله ويحب الجوى إلى الما ب حيد تعلوها بوتاسية. يها ما س الما مرد د که در کا گرم سے پیسٹودک آن شکل ریخی میک رینست برکز بدلگر باش الله المراد والمراد المراد والمراد وال ويد عليه من عمل عدر الميد الداري والداري ، في رواد على or dering port open 19 8 8 4 Litely survey 2000 Call ago Trock whop at face shift العاد الما المع والله المرائد المروى ماميات يديد ورا selvidos de signe legencia apois ب وور مود معد مد المعامل و المراد المراد و المراد ا

مادون على المدود ومراعين العالمة المادكرية على المادكرية عمد معد المعادر من أو د كالكاد المواد ب مام و ريانكاد م الداك م عم المساودة ق ون والله الديم وي فال كم المال كالل - しょんけんしといんいかからいらいといっといれんいいろ الدكاب مدواطان ويضعواكيا معزيت جان بناه الدوقت الام يدرات الما のいかけんかったいっといういかかけられていれる and the what of the way to the the العلامة على الحداد والمرام والماست الم وسندم في محدادات each otal or aspectation complet والمرافع الما المكت - المدفع الله على الله المديد عدونين العيمان والمحارب المناسبة المناسبة المناسبة والماروق لاسطا المرين يارموس كويكور فاربرك يعدى ويزلان Signing of the distance the mon the ما بي مع ما وكل على وطلبي كالمستعال عال كاذبا ووسي ما متك كم

ف بخود با ق ل مي علوش ادريل سي بكن بدياريك يؤكن وكن وكي وع التطريد ع with any to inthing from Lype Octors صرت جان ياوسوس كادب بالاوم بي فاسلي المايري قال عاص عديدة بدراسالي فرع را مراواتها وبرا يوادات تسويد كالها الم خرارالي التروي والت فيه الحاوي بول أو إن الركب وكها . صرت - いばれきかりです。 ときりのからのこれはかった القروي من وه توليدي في المعفرة على الذكونيس وكلها مهاد تد وبست غيت ميم المي تسليا جره ويزى وكاروش الحيس المين كالإلاميت اعرى واليد الى كروى والاورادي - إلى سوال عال بالدور والرياسالل ركت رم مثابي . عدى والى كلور بيت م مركا وريد ا Sidy tale level Frienco in 2007 & Assessment LIV- Fr. W. W. Woodash destination stratelier is in the المشرقاد في برف على السديد من المزوة ودوين على إب لاتعور ريك معليد كادم عدود الأن عدا إلى الما المواليد الدائك قدان ك الاستيداق عن كوسيد ورزي مويرة فالا المستان المستان الد رك من وفي المراب المرابع المرابع المرابع والمرابع معد المرابع

142 cc. 125, port 1 org = conference ou معروى عصرت الله الكرك مائة فاطفت من ارواب وإلى الدور とからはらにははなけんところうけいりからいればか wore 3303 4 32 wall on 19 10 00 10000 6.57 with of see 1 see 13 the for 50 will the c. 1000 - with 1 600 5 160 6 60 0 50 60 60 Cano de 1 1602 c. y. 2 Co) do le trope

الاناد إلى م المراب المراب الم

المستواحة المست

لم تعلق المهم التي المدين المرافع المعادل المستوان المست

المعدد المجاهدة المساهدة المعدد المساهدة المعدد المساهدة المعدد المجاهدة المعدد المجاهدة المحدد المجاهدة المحد المعدد المجاهدة الموسيدة المجاهدة الموسيدة المجاهدة المحدد المجاهدة المحدد المجاهدة المحدد المجاهدة المحدد الموسيدة المحدد المجاهدة الموسيدة المحدد المجاهدة المحدد المجاهدة المحدد الم

المراقع المساولة المساولة المساولة الما المساولة الما المساولة ال

المنظمة المنظ

يستين شاره المعلقات معلى من ان يطبي تقديد بالتصويرات المنافقة المتحدد من المساولة المنافقة ا

 يسى جيليا كانتماك لاب منيان الدين احدقال آنى . وايدا الدين فالرحاص في ب لهدر كيما لدي ريخ ي رفتان او مالك ي ير تصور كي مي المنابي مل كالربيت المايومان اجزاف الدي المراف بالمالية المراف بالمالية

かないこれとからいといいりにいいかしていると قراست كان داك 1 دك الكران المنظرة في الكيس ، في الأس المرياد والمن والمعالمة المراج والمدين من المراج والمراج والمراج المراج كان يا يى يونى يولات المراسي . الك يرا منال موس ماكو في في من Middles of branches with the State of 22 12 is ط ف دونا فونهات اور سے بھ کے عقرای در دی مرزا فال بی فینے ہے こうびろういしんきかいとういうしいいかんこのもん

اعط من المراقد غيرال عدم الداب تعارك المديدة المراع كريس على ويلا الله ورايس المون عرف المون الم دية تعكسماكا بن ري فرت ويواكد إيد ما و وي كاع الان ماحب ين عبد الها. كا إل قل في جزت إيسكة وي التعدي Zorni Licariono o Jielowasz المراب المراب المراب والمراب والمراب المراب من ، يشتريون عالى الداف دالذي الى مزدوراه برن كا دياما حب عدار عداد المعادة بنورا عداد الان المال عداد المعاديد المعاديد

للب ها داري فالله أن اللب او إدر كما في عد إلى كرك من ميرسال ك かんかいいん いあかりのはればない しんんんんかん عديس في المال مريم إياد ميدما المالك وميد على 468.00 03 2 126 50 0 1 1/10 00 1/6 6 6 14 Dr 1 in Marie de - a il 2005 No. Wor 2 2 3 - in fel Lo الكادكىم و كار ما المالية المالة وي وداون مناوند كالمعتريان في مدلها . فل في على المرا بي قد عا يد في ويدو بني Hole it it we will grant the wine and ين جيد يدون في على قدي كالمانت والدون والانتارك لى بدى الا بدى قال كرى الدى المراد المراد كروا كرا كا كا معتريد ير これとりにしいけい ゆいんしいでしいいいはん

181276 Est- 101057 7168 W. L. Tillerin - 60552 44 200514 からいはっているとうというとしかのかんしゅん مد صيد للبياق ل كذب لا ي مي مدات ورسيس . كنويرا للمالان

Eximore protect land of mans وعان المركاء المراك كام ومل الكريد والمراسلة المركاء كيرة المراج بنظ ادرم رهي المان بادعة إلى - ياي مول عالي من عن VIEL OF COME NE CONTENNE ELECH OF المن معالمات المنظم من المدين المرابع المرابع

ك يق كما عقال ماهب المكال تقابل ودود وي مادر بست ويومى الدائيك بادول فإن عادت عددون دوعن جاري اودمات الدع 1-2 Sundence for Low to - USU DORLE ار عام الديد على مع ريد عرق مي عدده الدي مياد ل الرف この世上のなるとからればいているののいれん ماس عركا ندا د تفلى ورق دور در العرامة والمردب ود داول الي こっちいかんかんかんなんないないかんかいかんかいかい 差 ニットったんがらいしゃしょうかんいいかったいいと مرغ ومندو لک هارس سي بري علي من راي ي اي دائي الكيس لي لي

يكس . كمنى بول جزعي المراقل الى يط يك براك ما بين إن كا وكما ال 1 / 8 - 11 4 p 4 p 5 23 0 00 000 8 8 10 10 10 16 ع اسيد الي الي النكيال مريكو فكروا عد ليد ليد إل النيس ال كراشت ادر شان ريم سير . كريش بي الكري دول المن الكون كا والتي راح راح والتي التي ال العلام المراعد عدد المروك الني يا يا ف بدوره ي الله الى على المراكب على الله يراكب الله المراكب المعادية الله المراكب الله المراكبة الله المراكبة الله المراكبة المراكب ين عد مقال وينات كلين بيا ودكت اليت الدائي فيراسامني تودان interestation for the way of lend the while يرشظ إقري يكربانا ديشت إدان يررخ البداء إجار ريال 22 dry Balifor some Stream Be المركبية والإجماع بعيث دفقي اعدقيق بوتا فقا جاؤ امرة فيل المشكسات أشين 00821,1-22 0710 Anos 810 dely 8 = 25 かっとうしょくからいきいきいんしょくしんのもうのない

الحاق عدى الدادرا عالا كومت در بال مات عظ ع وى

ك نهايت الاعلى إنى اود جامد زيد آدى تتعد جيد ين اودوادى مبيال ووول

يت. ويرماس بارى وف موج برشا در كاد مكر ادر يدي ميان 17

SHURSHOLD IN CHEST STATE OF

ما باي د الما يساديد بيدا ي برمه بسايس الما يوس compraintending another in the owner 3 lot soll p. s. I longe hard in successful شين مفت ي دود وه محان الأسما لا الا محال ما كالمبعث كاستفى وغيال ووكر عدما حب يل وه بديد كاما القرياد يرق إلى ا ودان و الإ الما الما المراسط معدات ودور فافط لي المراد والما عديد على الكران محد المراب المرض من المراب على المرض المرابع المرابع المرابع こしまいなるなととすといういいよりものがしかられている

J. J. c. 10 はんこしがらずれかしのはかれないといったい

ياللول ولدوكر إلى المقرن المي أوتزيل وركام ومكار ومينات الأكوم خاك القرفدي في وجوائل ولهور صادر وفي فقر يذي ملي كامن ULBOROLINIESER STERENTOLESEURL 1 Listise 47 Zowe ENSONE Londouce しいがこくとがなしらかなったとれていいいい Locumbers who who is a color مرددرونيش كي في الى عرى ي إلى ركى و الى عناد الى يد الكيادان עורי אונטלינטונים בל בינונים שוווים בליט שני נוט للرفطي ويدور جدال كالموشي ويتين ويس المال كينس ألا الأكيدون ك إو شكاوي きょうしんのかこのはよいのかとといいき المن برة الله المراك المراك مرتبك ماد الله والكواد المعادية العرى ينود و تعالم جرود لى يورى لى فى . مك يورى و قالانكام فى ないがらえかいりのもこうひとかいき せっとういとい الله من إلى للد بعد إلى الدين الول لا تاجدال الله عليا إلا لا بالا المال مؤاليات يكذب المدينة بالموسد على والمال عدونا سالك والمر بي والله الما تا والال كالما يو والله رعن لوتدري ع نصماد عرب الرسوري عاداد الادلاي まきましょうないのなんなんなんなんしゃいころれと و نے بال کردوں کو مالی میں اوج جو باشکاری میں ایک وجودوں کی آ

White has the state of the present and the state of the s

ي هي خامدا ذل كرب د جرل جر في كشيّل الله ين النّمال بكن إيل عد

الدومة والمراجع والمراحة والمراجع والمر

સ્ત્રી વિસ્તર વાર્ટિસ ના માર્ચિક માત્રી કર્યું કર્યાં કર્યું કર્યાં કર્યું કર્યાં કર્યાં કર્યાં કર્યાં કર્યાં કર્યાં કર્યાં કર્યાં કર્યાં કર્યું કર્યાં કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કરા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્યા કર્યા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્યા કરા કર્ય

તા કે પ્રોથમિક કે માત્ર કે મા

يان عادن المدكن ان يوقع أو ياجه هر الريان المدكن المارية قالم إلى المدل المدكن المدارية المدكن المدكن المدكن ا المدل المدكن الم

- as Sie Solit like فيب ذين العابد يفتال ها صب نعاير حركب إعطى ال كويدان إي عاي ي ع يى من الدول الدول الدين الدول الدول الدول الدول الدول ما صبيع المالية على الماسي على المري المري المري المريد على الحالب وده مع معدد المراح ميد مع بالمري و الما و الما المريد ا والمعلى والمعال فاحزال الداع الالكامال ووالمستدكات والاود لطرواول الاناب على عام الدعامية بين التكانا ودركار في الموايد الم فراتے ہیں ۔ إل يسنى كول ناہو تيرحوى عدوست مان كورائس ميے كرم معرب عدالك الك المعالمة الدور فات بايد . وا إ فساع إ ولا والدات ك وثما كليل ويملين له التي كرسكارة واب صاحب فريال دميا كوليما الكري المال المال المال المالية المال كرهوث ي ليما ينها و بعددة الله يما كرد عدي ما نظري كرنها قا يرجلت متادين ميلية كلد لا تلدان لا شار فقا . كر الستاد وو في كم تقدين مَدِم ويَصَيْعِي الله كَا زُورُ وَإِنْ أَوْتُ كِما مِرْسِي وَمارَيُ أَنْهُمِينِ وَيَحِيدِ بِرِيِّ مِقْ الدِر こりかとことしんながらかりというかをありましいの

ه کان دیگا تک رچ زاد کسان ۱۹ و یک آن کان ایک در کست برای می این ایک در کشور برای می این است برای می است و بیشا هما که میشود برای می این این است برای دارد و بیشان می این برای می این برای دارد و بیشان می این برای می این برای دارد و بیشان می این برای می این برای می این این می این این می این این می این می

12 50 po) 8 y 64 12 31 2; 12 chizz 4 50

سے آسکول کا وظیوں نے موالی مسکول میں بنیال بدائروا مشکول میں۔ بی بی اوشاء برواز ان اس میں تھسک مسب اول موادوہ کر اور بی را اس یا اسان کے اسان کا اسان کا اسان کی اسان کی اس ک زاد سے بھر تھر تھا ہے کا ادارای طرح کا کھیں کہ یا کر تھے تھے۔

ا ما موسید به بیان این از که به این این مواده دیش به این می ا خشور بیل حداث این این می ای می این می ای می این می این

ف دیگاه گران ای گردد برات دیگه تقد اداری شده بهته ۱۷ تقد شاه انتیک اوریک ۱۵ کاران فری افزایک ساز داری شده که شاک

طرح الدياسية -ا انتقال دينج يار تجي اليك بنا ؟ پدرتهرالو دياما فلاتسسال مجير كر بعدامت نيان مساعدتون القدن الذان ادرائ اوزارا

ત્યાં કે છે કે તે ક તે કે તે તે કે તે તે કે તે

کان می میتواند آندگی هم داد برای کرد و گافته به باد دوسرسک میز کراندگاه ای کان هم الادور کرنهای کان و این میده کسر مصوب به باد و باده بدید این ند با افزاری سیسی میروی همای که میکندگی میرود و در در کان بدید به با در این میروی میروی میروی میروی که میروی که میروی می این کم میروی می

من ارده تو بالأفراغ في الاوروع بي الاوري ليديد في المواقع الم

ي ما در الهوا المديمة مع المواقع المديمة المواقع المواقع المديمة المواقع المديمة المواقع المديمة المديمة المدي المديمة المواقع المديمة المواقع المواقع المديمة المواقع الم

المنافق في المنافقة ا والمنافقة المنافقة ا المنافقة المن

سترة علية المان المامليم يستري استاد دول سے سے فی دار کیا ہے کے دی اور این بوائے من مرید ないとうないないいいしょしいとしいいはいはくとという المراج المراج المراد المراد المراج المراج على المراج المرا おおとははかかり 世中からかとめにいるいん الى معدا يمن كريد التي من كان الماس كان الماس كود الله المكر المعالية とはといいたでしていまればいないないのでかいいことかとこい الماء لدا فاي كري - دياد الداعية والاراط بالقريد كريد ويدر مان يقي يم و كو منائي ده عيد كالمنظ والدين . الى عيال ولا كالمستاد ووق لا كل いらいしてとかいれいいかといれいかいかいからといいく كالبنان يواكر يمغل لابند ليست كرري الى كى سيرك ما مديد عالم اوموق はいいのかがかかられるときれるといれたかがなりのいのとか كالعن تليد عادريس وف طرك درر عامقادادا الا كالديك いんかのがんしいところというがんのかんかん د اول على معط بازى دورع بازى الرئ الموسى مينت عددود يجرون

فرون ادوم ان كالان على بن - الك المناور عدام المناقلة

ولاركان الدويات على المرين العرف ديات والمدين والدان

والمعادر فافر الاعراما فريا ياب الدادر تعت راي

در بروسید برسایی است ها ری آن با گذاش با به انتظام به این با بروسید با برداد به است ها روسید به است است به انتظام می بازد به انتظام می برداد به انتظام می برداد به این می این می این می این می این می برداد به این می برداد ب

ے مشاباً اللہ اگر جیست است میں مقید یہ سوم نوبی کریں اوگا ایک فیض کے خوجوروں کے مرکز برکاری اور باز کھرٹ کا کرائی کے ایسندیش آیا ہے ہے۔ یا مشاکد درنشر کی خوانیاں وو بوائر خوانی ہے۔ وقد کی روز کر ایس کا مرکز کا ایک کا استان کا مرکز کا ایک کا ایک کا مرکز کا ایک کا ایک کا ایک کا ایک کا ایک کا

のかられるようはのいいとが、こばいはしいけん こいくといいいるといのなるようなないのかんかんとう Lower wind will an car it with the wi artificational polotosistico Luste destroys Ville of he gelote id. いんしゅいんまいしんかいかんりんかんといといこ ورضات الديحر ما مسبى كرمون سيدة كلعن التداري الذاكرير とのこととははいれいましょうようはいいかかけら عند الله كرواء معدوارس من الدين ألاراكن فسر المصيد زاهيات على بادر مناسبا إلى فروع فروع عن والان عاد يها والام عداد و 一つのかいかんしょうというというでいたいかけれんだけ مع المان عالم المن في والوسيلان في المراب المان الم المائية وورون ٧ قال المائية والوائزة الما القاء مكر مام راويد いまはしいいちゃがこころいのいはき とびけらいる لوسنول كالمرائع بالمرائد والمساري مديلة وزاؤك الديم الكاملات かんいこのんらんといんないなっているこうかん الرونا أوت مسكرت الدكما بخ من قدان كدمة كول طن في راكمة のかられるからのしといいかいないいいいいとのうとりといとし الله والماعديد بن وكرائ الدوارا المناهد عدون المرابع والام ي و الله التي يودي تشويل السنة واوق جي الدراكة . كام تليد

کے داول اوران اللّٰ اللّٰ اللّٰ اللّٰ اللّٰ اللّٰ تَعَلَّمُ عَلَيْهِ مِنْ اللّٰ اللّٰ اللّٰ اللّٰ اللّٰ اللّٰ م عند معتصفون عرك وإلى اللّه الله فرق الله تحسيب عالم الله من الله

الألونية بالمقاب عديري ويدي بوسوم ول الأميان

was able the the was allow see

جان ہا آ چکڑے کے اسپیدائیں انہوں انہوں کا برائی کے انہوں چیسٹرٹی آئیں کا اسٹون کے جسائل ہوگئاں دورہ اگری انہوں کے انہوں کے انہوں کے انہوں کے انہوں کے انہوں کے انہوں ک استعمادی کی کہ آئے ہوئے جہائے ہیں ہی مستقد ہوئے ہیں کے انہوں کے کہا کہ کے انہوں کے انہوں کے انہوں کے انہوں کے

મિત્ર કર્યું કર્યું છે. આ તે તે તેમાં જ તે તે તેમાં કિંગાના તે પહેલી પહુલાં કરે તેમાં તે તેમાં તે તેમાં તેમાં તેમાં તેમાં તે તેમાં તે તેમાં તે

شخة أو بعارت ك الكارى كم يرعد الاسب كالميث لغ المال كما يوليد

میں۔ الرون دیسے میں وال موم لیک ای جائے اس الدون کے اسادون کے اسادون کے اسادون کے اسادون کے اسادون کے اسادون ک

المسابقة ال

به المشاركة المساولية التساولية المستواركة والمساولية المساولية ا

ر معرف الله الله و التوقيق الإنسان المسائل قد الله و الدولة في المسائل المسائ

مرا باید. در این هم ماه ما در این هم می در این هم می در این م هما می هم این می در این می این می هم این هم این هم در این می می در این می

જુ (1973) માત્ર માત્ર કે ત્યાં માત્ર કે ત્યા માત્ર કે તા માત્ર કે તા માત્ર કે ત્યા માત્ર કે તા માત્ર કે તા માત્ર કે તા માત્ર કે

Patril gantagin start port gantagan panting d galang na tagan panting d galang na tagan panting d

و شفاندگر الدی کا الله در الماندگر الدی کا الله در خود کا الکار و جانبی کا بر العام به ماهیدی عاصر برای و واقا بسته موال می او خدار و الدیسی می کول می الاست خدار وا જિલ્લા મુખ્યું મેળા કે પ્રાંત કર્યા કરે કર્યા છે. જે તેમ કરવા કરવા છે. તેમ કરવા મુખ્યું મેળા કર્યા કરે છે. કર્ય જિલ્લા મુખ્યું મેળા કે પણ કિલ્લા મુખ્યું માં માર્ચિક કર્યા માર્ચિક કરવા છે. તેમ કરવા માર્ચિક કર્યા છે. કર્યા ક આ માર્ચિક કર્યા કે પણ કિલ્લા માર્ચિક કર્યા કે માર્ચિક કર્યા કે માર્ચિક કર્યા કે પણ કર્યા કર્યા કરે છે. આ માર્ચિક કર્યા કે માર્ચિક કર્યા કર્યા કે આ માર્ચિક કર્યા કે માર્ચ કર્યા કે માર્ચિક કર્યા કર્યા કે માર્ચિક કર્યા કે માર્ચિક કર્યા કર્યા કર્યા કે માર્ચિક કર્યા કરમા કર્યા કરામા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કર્યા કરામા કર્યા કરામા કર્યા કર્યા કર્યા કરામા કર્યા કર્યા કર્યા કરામા કર્યા કર્યા કર્યા કરામા કર્યા કર્યા કરામા કર્યા કર્યા કર્યા કરામા કર્યા કર્યા કર્યા કરામા કર્યા કર્યા કર્યા કરામા કર્યા કરામા કર્યા કરામા કરામા કર્યા કરામા કરામા કરામા કરામા કરામા

ان او المتحدث في الموسى في الموسى الموسى والمستوان المؤلفة المؤلفة المستوان الموسى والمستوان المؤلفة المؤلفة ا يواد 10 من الموضى الموسى ا المولان الموسى ال

ان قرارت کر کمافق با آوردی مجافز برای موادر برای موادر برای موادر برای موادر برای موادر برای موادر برای درجه د دل برای موادر برای دادر برای مشتق کا میدید برای این برای مواد این برای مواد برای دادر برای مواد برای مواد برای موادر بر

زان ، اجزه ان بادر موقع بان میسید شده میشد تشده میشود اول این این محلوم به ۱۵ زن معندان و قبدسکنند شداری سم اینت رفته میکند اداره این از دواند و امواندهای این اما و معارستان کار اموان این کاروان شده و آرای این این این واقع با در اماره بازار این میشود این این میشود خشون از اموان شده بازاری این این این این این این این ا

در ان توسل بردار ان اداره کاران شده باست می و تصویل که استان بیش و تصویل که استان بیش و تصویل که انداز به میشود وی مدارس بدارش این خواف ادارد این میزان که کارگزاره انداز این تعدیل که میشد این این میشود از میشد این میشود ای به بیش به این این که این میشود این میشود این که میشود این میشود این میشود این میشود این میشود این میشود این می از در اکست به میشود این میشود این این میشود این می

باراین که که تواندی به این که تواندی به این که تواندی به این می که تواندی به این که تواندی به این که تواندی به این که تواندی به تواندی

gang of the Same o

دو الاند كاروريا و ينها تو الان كه اليوج في عدود الما كاروريا عدال الخراعة المراورية المراور التراوية المراورية المراورية المراورية المراورية المراورية المراورية المراورية كارورية الموادرية المراورية المرا

make leget to the strong section of the stro

世色がんさい ニュングレ

All States and All St

ف الاصاديات والماليات

 ۰۰ سفون کا تاشش میروقت مرگزدن دینتے چی، کین ڈھریڈ ڈسانڈ کرائیے جند سیاری

جادی دوس ۱۳۵۰ در گذاشی به فره هم نمونی کوران دلگ برای در برای تا این دلگ برای در برای تا این دلگ برای در برای ت ما می این به ای

ا به الموالات، الموالات الموا بالموالات الموالات الموال

بر آن آدری دولان کے خواتم ان الکان و روز کی راد در اس میرسیدی بری ای خوات که ای بری که ایس که ای کشور کار اس که ایس که کسیس که که خوات ایس و بری که که روز در ایس بیش بری که که را بری بری ای که این که بری که خواتم بی میرسودی که بری در ایس به بری توان که این که میرسودی که بری موان بری میرسودی که ایس ایس که و ایس در شروط کار سیست که بسی که روز این که ی میرسودی میرسودی که ایس که ا

اور پر تام میل مالته وه فکص فدکت دلیا علی کن بهاری فک شند ندست گل چگر حاد حدید ند بهت آخر اینشد کان در که بدیداندین و بروخدال و وجه بر باشته فرطند فراها سال مدست برسده نهن برق میدال فرحش در بر اس وقت و ف

تو تعقق کرواند ان کے مورخ کی اگر جس کا انجک کے مساحث آئی دید از بال میک دینے واسے میں بہت اوار اسک مائی میں ادر سے الیار وارادے کا شریعی و ان اور اس کے اس وال مائی کے مکان مشاور انہیں ہوتا جا آل از پہنتے ہوں اور ان میں دوسلم بھٹ انجے ہے کا مکان میں ان

ا کے بیٹری کا تھا تاہدی ۔ گائی کا داران المرائی سکت کی ترکی کے ان ارائی ان کا دائیں منائی کا ارائی برای ارائی ہو کے ان بیٹری کے ان بیٹری کے ان کا دائی ہو ان کا دائی ہو گائی کا دائی ہو گائی ہوئی منائی کا بیٹری برای میں میں ان کی ان جائے کہ ان بیٹری کے ان اور ان کے ان اور ان کی میں ان کا انتخاب کے ان اور ان کی میں کا ان انتخاب کی کو دائی کا میں کا ان انتخاب کی کو دائی کا میں کا ان انتخاب کی کو دائی کا میں کا انتخاب کو دائی کا دائی کا میں کا ان انتخاب کو دائی کا دائی کا دائی انتخاب کو دائی کا دائی ک

ن اکار انتخاص الدائدی می صید بازی ماندی هی دارید نیز . ۲ افزار کید برای بازید کردی وال این که ۱ کدان احدادی کار این از این کار افزار را سهای الدائدی این این انتخاص این از میدادی که را برد این از آن از این از این از این از این از این از این از ا برد کار از این از این این این این این این این این از این این از این این از این این این این این این این این ای

فاصر كيت إلى - الكلما تما -

استه هم الله المستقدة في المحافظة المستقدة في العداد المستقدة في العداد المستقدة في المستقدة في العداد المستقدة في المستقدة المستقدة في المستقدة المستقدة في المستقدة المستقدة في المستقدة المس

المنظمة الإنتهائية عنه التداري والمنظمة المنظمة الإنتهائية المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة المنظمة الم المنظمة المنظم

المنافع المنا

とうとういっているとのクルをうかとうりいと

شعرے ور ان اور اور اور اور میں کھر میڈرڈ آ کی اس تکھے ماوں تے سال با وعاوياد جالك المناكلاليس لرى ال いいとれいいできるころのはいいはいりのかとかんしい warrows からいってどういまだり ر راه على قر المراحية الله و حال ا و ري كرمايين الحي - الد كاروس على ود ٧٠ ل وصايا ، فول ديك الين مكري في المال المان اللها يور Attituded of wind the way ELS 4. 45 L 8 (3 x 24 p = 2 x 5 2 6 2 2 2 1 p c المن الديال في عاده المانسية بي درو الكيارة شي ياره أريس -HENRY S employed nite with Nederlikes differente viloria questición ے لیس وہ مالیابال اڑا جیل whitechter spherember الت كاليوم ذا الل بالساك إلى الله يرسيا ي يعد أول بي الله المتعنى لك المساوه على الماسية الماسية المال المال المال المال المال المالية وم مناوع مي اين وي مياما ورك تعك را سه اين كول مي تعدول مِلْدِينَ عُكَالَ مِو -ابدروك في الريفي أنا ووم في إت ع. ال كالدودى الم الل جراف كروات ولا فالدويد الانوال .

در بالصيف المساحة المس المساحة المس

ن المنافذ والمنافذ المنافز المنافذ المنافز المنافذ المنافز المنافذ المنافز المنافذ المنافز المنافذ المنافذ المن والمنافذ المنافذ المن و مدخوع برای وی به باده دنگ بیشت به سیده که نول می همدولت وی ما این کشوری برای سیده این به در است کیل ویسه النامهای کند خاد از این کارون برای برای که در به برای کارون به این که در برای کنید وی که است بهای در این برای که در این برای که در این برای که در این برای که در این به این مهای می این به این مهای می می می می می می داری فارسی می کندستان به بازار سازم می کند و در این می می می می داد. این می می داد و این می می می در این می می می در این می می می در این می می می داد.

ري بيان مي المراقع مي المدين المدين

المرادة المستعدد المستعدد المستعدد

المنافعة ال من المنافعة من المنافعة المنافعة

الإلكاء والماح المراكا

کیکا میں کمائی کے گئی کہ میں آئی ہے گاری کوشتہ چاکھوا مشوری کی سابق مائی ۔ میں دیکا فاکر جاتا اندائش کا مہدے۔ کی کا کئی بیان امد دیشن کے مستقبہ کا کا کہ الدین ففک ڈوا کسیل ایکٹے پاکھی کا مستقد دائی مست میں دکھتے ہیں میں کام قرارہ او مسال کھے گڑھ

یا تھی کا استاد وقت است موزید مصلت میں رہی کا فرقد دا اور مال کا ب مرفر ہا کے بات الدور ای بائی مرفر کو کا الدین کی کا کا عرف کی لاک تعد برائد و دور ہے ۔ مرفر رال سائل . المراقع ا

ر ما بودان منه این که با به در با منه به در میشد با به در این ما در میشد با به در این میشد با به در این از در م به به تاکه این که در این که در میشد به در این که در به دارد به دارد به در این که در در که در این که در که در این که در که در این که در این

ي المنافعة المنافعة

هدر مشارع مان با نساخ نیز هیگی افزاره به بازندن و در کید دو این در می افزاری می میشود برای برای کرد. مرحلی میدوان بیمان بیرای میدوان میدوان برای این میدوان میدوان برای این میدوان میدوان میدوان میدوان میدوان میدو میدوان میدوان

المراقع المستواني المستواني والمستوانية المستواني المست

الإيمان الما المستوان المستوا و المستوان المست

و ترک کست های را به داده ای و را که دس در برسد برسد کرد و برسی که در و داد می در در داد می در در برسی در در در برسی در در در برسی در در می در برسی در در می در برسی در برسی در می در می در برسی در در می در می در برسی در می در

رخی دور کلی بین می تنسب کران دی می داد به می این به می این در خود در کارد.

از مین در اگر کدار به را تا می این این به در این این این در این می این این این در این می این این این این در این می این می

بدر با من داخلوی دو کنید از گذشان شد برای در گیرد. خوال این با منیدی توسد برای در پریستار برنگ به بدر و است افغای باشد به به تعداد و برای برای در یشتری این برای برای برای تو میلی داد و زادان این نگ سایر شده دادان شده و می این که برای برای در

ا من سابع من المواقع التقديم في المواقع الموا

المن المنافعة المناف

المنظمة المنظ

یا ہے براد دی ای اور کا گرائے ہے ہما ن بالا کیا ۔ کی آگر کھٹا ہے ہے۔ سعوم ہوتے ہی باؤل ہوتی توانی ہوکا سلط چند دونا کے بدقی اول اللہ فرست ۔ انسان ہوتے ہیں اس مرجی سے پی دست پر جسیس شارق اس ایسال و سرسکاری سائر

هم در دونیک مویشند که بودن بن نشوی بهیت که از کرکسیات یک دارشدین بریزار آیایی المسیاری بریده کسی بودن که کاروز آیای ساچها ادروز آیای آیایی داده امرازی کیسیانی شده امرازی مام کارارسی بین «کهستان شکام کای ادمینوایش داده امرازی کیسیانی شده افزاری»

عام نی نیدانوری: پاکستان کے تیس سال (داوزری ہے اور کے تیس

ا مسے سلے کا براہ ایک کو جان فی برگ بی بی آئی او کے مستلاد سے ساک مشلافہ شک کے انفات دری برن کے اس جری آپ اور اقساع بی فیسے تین بمال کے واقعات جان ملین کے واصلے سلے کے مؤقف جان والم تسکین فی ایسے

مطبوعات شيخ غلام على . أولى ادكيث ، بيك ادراكل الابور روش روش رس

رکتابیں

اله المالي